

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ازدواج موقت یا مجدد؟ راه حلّ یا مُعضل؟

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	ازدواج موقت یا مجدد؟ راه حلّ یا مُعضل؟
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	سخن ناشر
۸	چرا ازدواج موقت و تعدّد زوجات؟
۱۰	فضیلت ازدواج موقت
۱۱	داستان تشویق امام زمان (عج) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ازدواج موقت
۱۱	ضرورت ازدواج موقت در آخر الزّمان
۱۱	آیا ازدواج موقت خوب است یا بد و علت آن در اسلام چیست؟
۱۲	سخنی با بانوان
۱۳	داستان
۱۴	پیشنهاد زن به مرد یا دختر به پسر برای ازدواج موقت
۱۴	[ازدواج با دختر باکره بدون اجازه‌ی پدر و مادر]
۱۵	راه چاره چیست؟
۱۶	تحریم متعه و خط انحراف
۱۷	چرا صیغه خواندن و چرا عربی؟
۱۷	فضیلت و فوائد ازدواج موقت
۱۸	انتقاد به نویسندگان
۱۹	مخالفتان ازدواج موقت، یا دروغگو هستند یا بیمار یا جاهل یا فاسد.
۱۹	مشکل دانستن ازدواج موقت، عامل طغیان جنسی استمناء
۲۰	درمان خود ارضائی
۲۰	راه‌های درمان استمناء

- ۲۱ [کیفیت عذاب زنان بی حجاب، بد حجاب، نافرمان یا بد اخلاق، در احادیث اهل بیت علیهم السلام]:
- ۲۲ مدارک حدیث شریف معراج
- ۲۴ چند توصیه
- ۲۴ خود ارضائی آفت روابط صحیح خانوادگی و شادابی اجتماعی
- ۲۴ احکام ازدواج موقت
- ۲۵ جملات زیبا و خواندنی
- ۲۶ بیانات زیبایی به نقل از دکتر محسن شِفائی

ازدواج موقت یا مجدد؟ راه حل یا مُعضل؟

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور: ازدواج موقت یا مجدد؟ راه حل یا مُعضل؟/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه موضوع: خانواده موضوع: ازدواج

مقدمه

«بسم الله الرحمن الرحيم» آیهی قرآن کریم در مورد ازدواج موقت (مُتَعَه): وَ أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصَينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ؛ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً؛ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ؛ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (سورة النساء / آیه ۲۴). «و حلال کرده شد بر شما آنچه سیوای آنست (غیر از زنانی که ذکر شدند)، آنکه خواستگاری کنید به مالهایتان تا شوهران حلال باشید نه زنا کنندگان؛ پس آنچه را مُتَعَه کردید (بهره‌ی جنسی بُردید) از زنان، بپردازید به آنها مَهْر هاشان را، که فرض (واجب) است و نیست گناهی بر شما در آنچه راضی شدید به آن از بعدِ مَهْر واجب (مثل هدایایی که به آنها بدهید)؛ به درستی که خدا دانای درستکار است» (ترجمه‌ی مصباح زاده). [ما برای رضای خداوند و کمک به هموعان و هموطنان گرامی، بدون هیچ چشم داشتی، این کتاب را ویرایش، تحقیق و تکمیل کردیم؛ باشد که خداوند تعالی و سپس ائمه‌ی اطهار علیه السلام و پس از ایشان مؤلف گرامی این اثر ارزشمند، از ما راضی و خُرسند باشند ... تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز ... تحقیقات ما، درون کروش [] و گاه درون پرانتز () آمده است]. در این جزوه به صورت مجمل و روشن، به بررسی بعضی مشکلات اخلاقی و اجتماعی ناشی از عدم امکان ازدواج، اشاره شده و تلاش گردیده به ذکر نقش بانوان در زمینه ازدواج موقت یا مجدد و عدم مُبَایَنَت (ضدیت و مُغایرت) آن دو با عفت و حیا، در فرهنگ سازی موضوع پرداخته شود. اگر نگاهی حقیقت بینانه به وضع موجود اجتماعی و روابط نامشروع دختر و پسر و نگاهی دیگر به مراکز مبارزه با مفاسد اجتماعی بیندازیم، اهمیت ازدواج موقت و مجدد و به خصوص موقت، معلوم می‌شود. در این کتاب از مباحث پیرامون ازدواج موقت و مجدد به صورت تلفیقی جهت مختصر گوئی استفاده شده است. ۲۷/۸/۸۵ «حسن زاهدی حق»

سخن ناشر

نیاز جنسی و میل به ارضاء آن، طبق حکمت خداوند متعال، در نهاد انسان قرار داده شده است. انسان همانطور که برای رفع تشنگی و گرسنگی و ادامه حیات به آب و غذا و هوا نیاز دارد، به ارضاء صحیح و منطقی میل جنسی هم نیازمند است. اگر این میل و نیاز ضروری و فوق العاده قوی، به طور منطقی و صحیح، ارضاء گردد، موجب آرامش روحی انسان خواهد بود. ولی عدم ارضاء صحیح میل جنسی، از مسیر اصلی آن، آثار زیان باری را از جهات مختلف، در پی خواهد داشت ... ازدواج موقت بهترین راه برای رفع نیاز جنسی و عدم آلوده شدن جامعه به فساد و فحشا می‌باشد، به خصوص در عصر حاضر که تهاجم فرهنگ مبتذل غرب از یک سو و مشکلات گوناگون جوامع بشری از سوی دیگر، فرهنگ شدن این سنت را ضروری تر می‌سازد. بالا رفتن سن ازدواج دائم، اتفاقات ناگوار و مرگ و میرهای گوناگونی که بیشتر مردان در معرض آن هستند و بیوه شدن زنان و نیاز آنها به زندگی مشترک و تأمین شدن نیازهای روحی و جنسی به صورت شرعی، اقتضا می‌کند که به این امر مهم، بدون حبّ و بغض و تعصّب‌های بیجا و با حفظ

شأن و منزلت و جایگاه والای زنان، با دیدهای احترام پرداخته شود. زنان و دختران بزرگواری که با درک واقعیت‌های جامعه و نیازهای درونی انسان، در جهت اجرای کامل دستورات اسلام و در جهت فرهنگ شدن این سنت حسنه گام بر می دارند نقش بسزائی برای مصون ماندن جامعه - به خصوص جوانان - از گناه و آلوده شدن به مفاسد اخلاقی و انحرافات جنسی دارند و تا زمانی که این سنت حسنه و الهی، اجرا نشود، بدون تعارف، گسترش و رواج زنا و دیگر جرائم جنسی را در جوامع شاهد خواهیم بود. کتاب ارزشمند «ازدواج موقت یا مجدد؟!» تألیف جناب مستطاب «آقای حسن زاهدی حق» از سری کتابهای «پرتگاه جوان» گامی است کوچک، جهت آگاهی بخشی به نسل جوان و نشان دادن راههای سعادت و موفقیت و دوری از فساد و گناه، که امید است مورد رضایت حق تعالی و خوانندگان گرامی قرار گیرد. «قم - رضا کریمی»

چرا ازدواج موقت و تعدّد زوجات؟

موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و روانی انسانها طوری است که افراد به عللی از جمله: مشکلات کاری، مسکن، خوراک، تحصیلات و ... نمی‌توانند ازدواج نمایند. شهوت و لذت در انسان یک امر آشکار و بدیهی است که نمی‌شود از آن چشم پوشی کرد و اگر هدایت نشود باعث ایجاد فساد و تباهی جامعه از نظر اخلاقی، روانی و بهداشتی خواهد شد. توجه به کنترل غرایز و شهوت آنقدر مهم است که قرآن کسانی را که خود را نگهدار هستند، در زمره‌ی رستگاران تلقی می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ» «به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند و آنان که از بیهوده رویگردانند و آنان که زکات می‌پردازند و کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، مگر در مورد همسرانشان (سوره‌ی مؤمنون، آیات ۱ تا ۵). شهوت در انسان، آن قدر قوی است که حتی با صدای جنس مخالف و لمس کردن، انسان کنترل خود را از دست می‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ کس نیست مگر اینکه به گونه‌ای گرفتار گناه زنا می‌شود؛ زنای چشم، نگاه نامشروع است؛ زنای لب، بوسیدن حرام است و زنای دست، لمس به شهوت؛ هرچند فرّج تحریک شود یا نشود. (وسائل الشّیعه، شیخ حرّ عاملی، ۲۰/۱۹۱). انسان دارای غرایزی مانند گرسنگی و تشنگی می‌باشد که به طور فطری در وجود او قرار دارد. شهوت نیز یک غریزه است؛ هر کس، منکر شهوت جنسی شود یا دروغگو است یا مریض! همانگونه که انسان، محتاج آب و غذا است محتاج غریزه نیز می‌باشد و همانطور که در گرسنگی باید از غذای حرام و مسموم دوری کرد؛ در ارضاء شهوت نیز باید موازین شرعی را رعایت نمود و از لواط، زنا و استمناء دوری کرد. سرکوب غریزه‌ی جنسی در مرد و زن، باعث ایجاد شخصیت منفی و استرسهای روحی و روانی می‌شود. با ازدواج دائم یا موقت، ترشحات غدد جنسی در هر انسان سالم صورت می‌پذیرد و خروج آن از بدن به طور طبیعی در تأمین آرامش عصبی و روانی بسیار حیاتی است. اگر انسان، شهوت خود را سرکوب نماید یقیناً به انحراف جنسی مخفیانه یا علنی کشیده خواهد شد. قوه جنسی، هم مانند دیگر قوای بدن نظیر شنوایی و بینایی، هر چه قوی‌تر باشد، دلیل بر سالم بودن انسان است. پس باید مواظب قوای شهوت بود و آن را به طریق مشروع ارضاء کرد؛ همانطور که به چشم گفته می‌شود: «به حرام نگاه نکن». با توجه به آیات قرآن، به خوبی روشن است که دین برای زندگی انسانها برنامه دارد و در هر برنامه‌ای آینده را پیش بینی کرده و برای آنان برنامه ریزی نموده است. انسان از اولین روزی که پا به جهان می‌گذارد، نیازهای خود را به نوعی کنترل می‌کند. از همان دوران شیرخواری غرایز انسانی در لب کودک می‌باشد و با مکیدن پستان مادر غریزه‌ی خود را ارضاء می‌نماید. شیر خوردن طفل، قهری است؛ زیرا کودک درک نمی‌کند که اگر گرسنه باشد باید غذا بخورد و گرنه تلف خواهد شد. در دوران رشد، غریزه‌ی جنسی تکمیل می‌شود. غرایز جنسی و شهوت، شبیه نوعی بیماری است که اگر از قرص یا آمپول استفاده کنند، درد و مرض تعدیل می‌شود. این غرایز به وسیله‌ی عواملی مانند ازدواج، تزکیه و ورزش قابل تعدیل است. غرایز جنسی و شهوت، چند سالی بعد از

بلوغ، آغاز شده و تا دم مرگ، همراه انسان هستند و از طرفی دیگر در اجتماع، حالات و مواقعی پیش می‌آید که در آن اکتفا به یک زن ظلم است و رواج ازدواج موقت، مانع بروز خطراتی می‌باشد. مثلاً آسیب‌پذیری مردان در مشاغل، جنگها، افزایش تولد جنس مؤنث و ... باعث گردیده که در ایران حدوداً ۳/۷۰۰/۰۰۰ نفر دختر و زن بیشتر از مردان باشد (آمار سال ۱۳۸۲). اگر دولت برای همه‌ی جوانان، بستر ازدواج از طریق وام و مسکن و مشاغل را فراهم سازد، باز هم ۳،۷۰۰،۰۰۰ نفر (۱/۷۰۰/۰۰۰ دختر؛ ۲/۰۰۰/۰۰۰ بیوه زن) بدون شوهر خواهند بود. آیا نباید به غرایز این تعداد توجه کرد و برنامه ریزی داشت یا اینکه رضایت داد از راه‌های غیر شرعی و غیر بهداشتی نسبت به ارضاء میل جنسی اقدام شود؟! اگرچه زن و مرد در نیازهای غریزی شریکند؛ ولی این نیاز در وجود زنان عمیقتر است و حیات شخصیت زن بیش از هر چیز بستگی به غریزه دارد و بدون آن، لذتی از زندگی نمی‌برد. باید این اصل را قبول کنیم، اگر ازدواج‌های موقت و تعدد زوجات جایز، در جامعه، قانونی و رایج نشود، تعدّد زوج‌های غیر شرعی جایگزین خواهد شد. آمار بیوه زنان و مازاد دختران در آینده کار را به جایی خواهد رساند که اگر دختران بی سرپرست مانده و لازم خواهد بود برای کسب کار، معاشرت داشته باشند که منجر به مفاسدی خواهد بود که بیشتر از معایب ازدواج موقت است و این زمینه انحراف مردان همسردار را افزایش داده و تجرّد به عمومیت می‌رسد. با توجه به روایاتی که نقل خواهد شد، آشکار است که اسلام به هیچ کس اجازه نداده تا به خاطر احساسات شخصی و برداشتهای غلط یا احساسات تعصبی زنان به موضوع غرایز بشری بی تفاوت باشد. دین فقط نماز و روزه نیست. اندیشه‌ی صحیح، بهتر از رفتار است. [خداوند در قرآن می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۵۰) أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (سوره نساء/ ۱۵۰ و ۱۵۱)]. «کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند و می‌گویند: «ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم!» و می‌خواهند میان این [دو] راهی برای خود اختیار کنند * آنان در حقیقت کافرند و ما برای کافران عذابی خفّت‌آور آماده کرده‌ایم!». نیز می‌فرماید: وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ «ای پیامبر به تحقیق، دلایل روشن بر تو فرستادیم و به جز فاسقان کسی انکار آن نخواهد کرد!» (سوره بقره/ ۹۹). بسیار تعجب برانگیز است که برخی شیعیان به خاطر عدم توجه به شریعت و حکم آسان ازدواج موقت، باعث ترویج فرهنگ زنا می‌شوند!! حضرت علی علیه السلام فرمودند: «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَغَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ» (غیرت ورزی زن (و مبارزه کردنش با تعدد زوجات یا ازدواج موقت شوهرش در فرض نیاز او)، از آثار بی دینی و عدم اعتقاد به خداوند است؛ ولی غیرت ورزی مرد نسبت به زن خود، از ایمان او است) (نهج البلاغه، چاپ فیض الاسلام، حکمت ۱۱۹/ ص ۱۱۴۴؛ مسائل ازدواج و حقوق خانواده، علی اکبر بابازاده، ص ۱۷۵). فرهنگ غلط به گونه‌ای جلوه می‌کند که هر کس حرامی مانند زنا را مرتکب شود مردم در برابر گناه او سکوت می‌کنند ولی اگر مردی با زنی ازدواج مجدد یا موقت انجام دهد، دچار مَیْدَمَت و بی احترامی افکار عموم قرار می‌گیرد و همین تفکر باعث خواهد شد که مردم دچار عذاب الهی و بلا گردند (اشاره به آیات قرآن کریم، که یک نفر ناچه‌ی (شتر) صالح علیه السلام را پی کرد؛ ولی به خاطر بی تفاوت بودن مردم و سکوت در مقابل گناه، همه‌ی مردم گرفتار عذاب شدند) و حتی تبلیغات مسموم، جوّ جامعه را طوری تغییر داده‌اند که مبلغین دینی نیز به خاطر حفظ آبروی خویش نمی‌توانند در منبرها و سخنرانی‌ها و ... نسبت به موضوع ازدواج موقت، مردم را ارشاد و راهنمایی نمایند. [به قول استاد سخن، سعدی: راه است و چاه و دیده‌ی بینا و آفتاب تا آدمی نگاه کند پیش پای خویش چندین چراغ دارد و بیراهه می‌رود!! بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش!! گر هر دو دیده، هیچ نبیند، به اتفاق بهتر ز دیده‌ای که نبیند خطای خویش!!] در کشور عراق و در بین شیعیان لبنان، به خاطر ترویج فرهنگ تعدد زوجات و ازدواج موقت، خوشبختانه، آمار ایدز، جنایت جنسی، چشم‌چرانی و ... کمتر گزارش می‌شود و حتی جهت جلوگیری از انحطاط و فساد جامعه، در لبنان، زنهای بدون شوهر (بیوه) ای هستند که گاهی نذر خود را در همسری موقت برای جوان یا مردی دیگر قرار می‌دهند (کتاب عقاید و آراء بشر در امور جنسی). شیعیان، اینقدر به

اهل بیت علیهم السلام ارادت نشان می دهند، ولی در خصوص تفکر و رهنمودهای ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به ازدواج موقت بی تفاوت می باشند!! امام صادق علیه السلام فرمودند: مستحبّ است، هر کس متعه بگیرد و دوست ندارم فردی از شما از دنیا برود مگر اینکه یک مرتبه هم شده صیغه گرفته باشد! (کتاب مُتعه، شیخ مفید، سی دی نور؛ بحارالانوار، علامه‌ی مجلسی، ج ۱۰۳/ص ۳۰۵/حدیث ۱۳). و گاهی در خصوص اهمیت ندادن به متعه، شیعیان خاص از سوی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام مذمت می شوند و به دوستان خود می فرمودند که حتی اگر نیازی به متعه ندارید ولی ما دوست داریم که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زنده شود. اسماعیل هاشمی گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: آیا از وقتی که از کنار همسر خود بیرون آمده‌ای ازدواج موقت کرده‌ای؟ عرض کردم: در کنار من دوستان چندی هستند که من سرگرم با آنها هستم؛ فرصت و نیازی احساس نمی کنم! حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «اگر چه نیازی نداری، اما من دوست دارم سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زنده بداری» (همان مدرک @، سی دی نور ۲؛ بحارالانوار، علامه‌ی مجلسی، ج ۱۰۳/ص ۳۰۶/حدیث ۱۶). نکته: احادیثی نیز داریم که امام صادق علیه السلام برخی از پیروان خود را از متعه منع فرموده است، به خاطر جوّ منفی زمانه علیه متعه!

فضیلت ازدواج موقت

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس به این سنت الهی عمل کند و آنگاه غسل نماید، خداوند از هر قطره آب غسلش هفتاد ملائکه می آفریند تا برای وی استغفار نمایند تا روز رستاخیز و لعنت بر کسانی که منکر متعه هستند تا روز قیامت» (سفینه البحار، محدّث قمی، ۲/ ۵۲۱). عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند شراب و مُسکرات را بر شیعیان ما حرام کرده، در عَوْض، مُتعه را برای آنها قرار داده است» (وسائل الشّیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۲۱/ ص ۷). ترویج ازدواج موقت در فرهنگ شیعه و اهل بیت علیهم السلام آنقدر اهمیت دارد که هر کس از ترویج این فرهنگ مُمانعت نماید، ملائک تا روز قیامت بر او لعنت می فرستند. در مضمون روایتی از امام رضا علیه السلام آمده: کسانی که تصمیم می گیرند یا عهد می کنند ازدواج موقت نکنند با خدا عهد کرده اند که اطاعت او را به جای نیاورند که این افراد معصیت کار هستند؛ زیرا عمل به مورد نذر باید از ترک آن ترجیح داشته باشد و ترک متعه شاید انسان را به گناه اندازد. موسی همدانی از فردی نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: «هیچ مُتعه کننده ای نیست مگر اینکه وقتی غسل می کند خدا برای هر قطره آبی که از او می ریزد، هفتاد فرشته می آیند که تا روز قیامت برای او استغفار کنند و بر هر کس که مانع ازدواج موقت شد لعنت بفرستند؛ تازه این قدری از ثواب متعه و گناه منع کننده ی آن می باشد» (رساله ی مُتعه یا ازدواج موقت، شیخ مفید، سی دی نور ۲). همان گونه که دین مبین اسلام برای غرایز انسانی اهمیت قائل است، نسبت به امر ازدواج موقت، تشویق و ترغیب می کند. در عین حال از زیاده روی در متعه نیز ممانعت کرده است. محمد بن شمعون گفت: امام کاظم علیه السلام به بعضی از یاران نوشتند: زیاده روی در متعه نکنید و برای برپائی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل کنید که آن کار شما را از همسران خود باز ندارد تا باعث عصبانی شدن آنها گردد و در اثر عصبانیت، حق را (مشروعیت و اهمیت متعه را) انکار کنند و بر ما که شما را به آن کار وا داشتیم، نفرین و لعنت بفرستند! (که این امر موجب کفر و ارتداد زنان نیز بشود) (کتاب متعه، شیخ مفید سی دی نور ۲). متأسفانه در مواردی به خاطر حرکات نادرست از سوی بعضی اشخاص در متعه، طوری فرهنگ سازی شده که اگر فردی بخواهد ازدواج کند حتماً این تصمیم گیری از روی شهوترانی است. بهتر است افرادی که به این کار مُبادرت می ورزند، کمی هم به مصالح اسلام و شیوه های رفتاری ائمه ی اطهار علیهم السلام توجه داشته باشند. گاهی به خاطر کم توجهی افراد مؤمن و متشخص و سرشناس در محل ها، ایشان با کسی ازدواج موقت می نمایند که این موضوع باعث هتک مقدسات دینی، به خاطر برداشت های غلط و کج فهمی می شود. مثلاً سهل بن زیاد می گوید: از چند نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام شنیدم که حضرت می فرمود: شما از ازدواج موقت در مکه و مدینه به خاطر من چشم پوشی کنید؛

زیرا شما با من رفت و آمد می کنید، می ترسم شما را بگیرند و اتهام زنا بزنند و بعد بگویند که یکی از اصحاب و پیروان امام جعفر صادق علیه السلام می باشد! علت نهی امام صادق علیه السلام از ازدواج موقت در مکه و مدینه، حادثه ای بود که برای اَبان بن تَغْلِب که یکی از راویان حدیث و اصحاب امام صادق علیه السلام بود پیش آمد. چون در مکه زنی بود که اَبان هر وقت به مکه می رفت او را صیغه می کرد و اختلاف بین آنها در گرفتن مال زیادتر پیش آمد. زن نقشه ای کشید و او را در صندوق کرد و به وسیله ی حَمَالها صندوق را به جلوی مسجد بردند و زن، اَبان را تهدید کرد که اگر پول بیشتر ندهد به مردم خواهد گفت که او از من در خواست زنا می کند و اَبان وقتی از داخل صندوق هزار درهم به او وعده داد، او را آزاد کرد و نهی امام علیه السلام به خاطر این بود که مبادا به تهمت زنا یارانش را بگیرند و شلاق بزنند و بگویند که یاران امام چنان هستند!

داستان تشویق امام زمان (عج) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ازدواج موقت

حِمیری به حضور امام زمان (عج) نامه ای نوشت و از ایشان سؤال کرد: مردی که شیعه است و متعه را حلال میدانند و اعتقاد به رَجَعَت (بازگشت امامان پس از امام زمان عج) دارد، همسری دارد؛ همسری خوب که در تمام کارها او را یاری می کند، لذا با او عهد کرده که هرگز با وجود او همسر دیگری نگیرد و ازدواج موقت هم نکند و با وجود او کس دیگری را نخواهد و به این عهد ۱۹ سال پای بند است و بر عهدش عمل کرده و چه بسا مدّت های زیادی در مسافرت و دور از منزل بوده و متعه نگرفته است و مشغول بودن به برادران، اولاد، خدمه و اطرافیان هیچ فرصتی به وی نداده که به فکر ازدواج موقت بیفتد. او متعه را حرام نمی داند، بلکه به آن معتقد است؛ ولی چون همسر خود را دوست دارد برای حفظ او و خودش متعه نمی گیرد و این کار را دوست نمی دارد، آیا او برای تحریم متعه بر خود (در شرط ضمن عقد) گناهکار است یا نه؟ از طرف حضرت جواب رسید: «برای اینکه قسم به معصیت خداوند خورده، لازم است خدا را اطاعت کند و یک دفعه هم که شده متعه بگیرد!» (بحارالانوار، علامه ی مجلسی، ج ۱۰۳/ص ۲۹۸/ش ۲؛ الاحتجاج، طبرسی، ۲/۳۰۶). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی مرا به معراج بردند، جَبْرئیل از طرف خداوند پیغامی آورد که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (إِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لِلْمُتَمَتِّعِينَ مِنَ النِّسَاءِ) «همانا زنانی از امت تو را که به ازدواج موقت در آیند می بخشم» (بحارالانوار، علامه ی مجلسی، ج ۱۰۳/ص ۳۰۶/حدیث ۲۱).

ضرورت ازدواج موقت در آخر الزّمان

ابن مسعود می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمودند: «زمانی بیاید که هیچ دینداری دینش سالم نمی ماند، مگر کسی که مثل روباه، زندگی می کند و بچه های خود را از کوهی به کوهی، از سوراخی به سوراخ دیگر می برد. سؤال شد: آن چه زمانی است؟ فرمود: زمانی که انسانها به معیشت خود دست پیدا نمی کنند؛ مگر به معصیت خدا. در آن زمان من تنها و مجرد زندگی کردن را برای پسران حلال کردم». گفته شد: یا رسول الله! شما ما را امر به ازدواج نکرده اید؟! فرمود: بلی و لکن آن زمان زمانی است که مرد را پدر و مادرش هلاک می کنند. اگر پدر و مادر نداشته باشد، زن و فرزند او را هلاک خواهند کرد و اگر زن و فرزندی نداشته باشد، اقوام و همسایگان او را هلاک می کنند. سؤال شد: چگونه؟ حضرت فرمود: او را به تنگی زندگی سرزنش می کنند، وادارش می کنند برای بدست آوردن مال زیاد، دست به کارهایی بزنند که در توان او نیست تا اینکه او را به هلاکت و بدبختی می اندازند (مُستدرک الوسائل، ۱۱/۳۸۷).

آیا ازدواج موقت خوب است یا بد و علت آن در اسلام چیست؟

خواهی نخواهی، در جامعه همیشه انسانهایی خواهند بود که نخواهند توانست مثل سایرین به کنترل غرایز موفق باشند. پسر جوانی

که در پانزده سالگی بالغ می‌شود، چگونه با مهیا بودن این همه زمینه‌های فساد و تحریک، تا سن ازدواج (حداقل ۲۵ سال) صبر کند، اسباب ازدواج را فراهم نماید و یا خواهش ذاتی تعدد طلبی یا نیاز غرایز زنان بیوه با وجود فرزندان و بالا رفتن مشکلات ازدواج و ... را برآورده سازد؟! آیا باید فاحشه خانه درست شود تا زشتی آن معلوم و اهانت آمیز بودن آن، مشخص شود و یا آزاد در خیابان‌ها هرگونه خواستن با غرایز حیوانی رفتار کند که وضع بدتر شود لذا تشریع متعه را استفاده از لذت حلال و استفاده آسان مؤمنین از غرایز میداند. قرآن کریم می‌فرماید: «دری که خداوند از روی رحمت به روی بندگان باز کرده کسی نمی‌تواند ببندد» [ما یَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَتِهِ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ] (سوره فاطر / آیه ۲) . [در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام آمده:] «یک مقصود از این آیه ازدواج موقت (متعه) است». [نیز خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «بگو چه کسی حرام کرده زینتهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و نعمت‌های گوارا و پاکیزه را؟!» (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ - سوره اعراف / آیه ۳۲). [باز هم امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «خدای تعالی حرام کرده بر شیعیان ما شراب و مُسکر (هر نوع مست کننده) را و به جای لذت شراب، برای ایشان متعه را جایگزین نموده است» (یعنی متعه لذت مشروع مؤمنانست) مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، شیخ صدوق، حدیث شماره ۴۶۱۶]. لذا با توجه به قدرت شهوت در انسان و حکمت آن و نکبت گناه، می‌بینیم که اسلام چاره‌ای اندیشیده که ضرورت‌ها را جبران و زشتی‌ها را دفع می‌کند و آن راه، مشروعیت متعه است و باید در جامعه اسلامی فرهنگ بشود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: [لَوْ لَا أَنْ عَمَرَ نَهَى عَنِ الْمُتَعَةِ مَا زَنَى إِلَّا شَقِيٌّ] اگر عمر (لع) متعه را حرام نمی‌کرد هیچ کس زنا نمی‌کرد مگر شَقِيٌّ (انسان پست و بدبخت) [تفسیر جامع البیان، طبری، ۴/۱۵؛ الدر المنثور، سیوطی، ج ۲ / ۱۴۰ و ۱۴۱؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، ۱۰/۵۰ - هر سه سنی و شافعی مذهب] زیرا احکام آن بسیار آسانست، چون طلاق ندارد، شاهد نمی‌خواهد، رضایت ولی لازم نیست، ارث نمی‌برد، نفقه لازم نیست، می‌تواند فرزند نخواهند، زن حق مسکن ندارد، زشتی زنا را ندارد و اگر فرزندی متولد شد (حلال زاده [است و])، ارث و کسب او مشخص است و نفقه‌اش بر پدر واجب است. تشویق جامعه به ازدواج موقت در زمان حال، ضروری است و برای جلوگیری از فساد و قتل مؤثر است. به همین خاطر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام خیلی به این موضوع تشویق کرده‌اند.

سخنی با بانوان

به طور طبیعی، بین زنان و مردان تفاوت‌هایی از نظر جنسی وجود دارد. از جمله گرفتاری عادت ماهیانه و ایام بارداری و نکته‌ی مهم دیگر اینکه زنان در سنین پایین تر از مردان نیازمند ازدواج بوده و غریزه‌ی جنسی آنان از نظر جنسی زودتر تحریک می‌شود و به طور حتم، پس از مدتی، زنان، آمادگی جنسی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر، مردها بر اثر افکار پریشان و مسئولیت‌های سنگین تر معمولاً زودتر از زنان دار فانی را وداع گفته و این امر باعث افزایش تعداد زنان بوده و ده‌ها عامل ایجاب می‌کند که در شرایط خاصی ازدواج با بیش از یک همسر تجویز شود؛ تا خدای نکرده، زنان جامعه بی سرپرست نمانند و دچار انحراف و محرومیت جنسی نشوند که در نهایت موجب مشکلات روانی و امراض مقاربتی خطرناک خواهد بود و شهوت جنسی باید فقط از راه طبیعی ازدواج کنترل و ارضاء شود. دختران نیز نیازمند ازدواج می‌باشند؛ و لو اینکه نیازهای طبیعی و مادی آنان از سوی خانواده تأمین است. ولی نیازهای جنسی بدون ازدواج راهکاری دارد یا نه؟ آیا گسترش فحشاء و بی‌عفتی در جامعه نشانه نیاز به ازدواج موقت و تعدد زوجات نیست؟ متأسفانه در این خصوص عده‌ای - به ویژه زنان - به خاطر غیرت ورزی نمی‌توانند حقایق را خوب ببینند و عده‌ای، مردم را از درک اینگونه و موضوعات و مسائل روشن، منحرف می‌سازند. (مراجعه شود به داستانی در این خصوص، در رَوْضَةُ الْمُتَّقِينَ مجلسی اوّل که شرحی است بر کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه شیخ صدوق، ج ۸/ص ۳۸۴) . سؤال از

خواهران این است که آیا خداوند به همه‌ی علوم آگاه است یا بندگان خدا؟! «آیا در سخن گفتن درست، کسی دیگر جز خدا وجود دارد؟!» (وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا؟! نساء/۸۷). آیا در قرآن شکی وجود دارد؟! (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ - بقره/ آیه ۲). به یقین، مخاطب نویسنده در این سؤال، زنان و مردان متقی هستند که قرآن را سرمشق زندگی می‌دانند. متقین کسانی هستند که به غیب و آنچه خودشان حکمت آن را نمی‌دانند ایمان داشته باشند و از آیات این قرآن، برداشت صحیح نموده، تشریع خداوند را درک نمایند. با اینکه اصل تشریع ازدواج موقت و تعدد زوجات با احساسات زنان سازگار نیست ولی نباید آیات را انکار کنیم. گلوگاه زن در امتحان الهی، بیشتر حسد و وسواس و همچنین عدم رضایت شوهر از او می‌باشد. اگر مخالف ازدواج موقت همسرمان هستیم، مخالف آیات نباشیم و در اصل تشریع و اهمیت ازدواج موقت شک نکنیم! باید مسلمان‌ها و جوانهای بیدار چشمان خود را باز کنند و یاد بگیرند که بیشتر از خداوند نمیدانند و هر چه خداوند در قرآن به آن موضوع اشاره کرده به مصلحت و حقوق زنان است و ارائه مصلحت از سوی خداوند دروغ نمیباشد. بزرگی می‌گوید: «آیا زنان شوهردار اگر بی همسر بودند بی عدالتی را تحمل می‌کردند؟». زنان شوهردار آیا تحمل یک هفته کمبود مسائل عاطفی و غریزی را دارند؟! مجاز بودن تعدد زوجات، در جامعه‌ای که تعداد زنان از مردان بیشتر است، عامل نجات تک همسری است. یعنی جامعه‌ای که زنان نیازمند به ازدواج افزایش یابند، اگر تعدد زوجات به رسمیت شناخته نشود، موجب فساد و معشوقه بازی خواهد بود که باعث سرکوب فرهنگ تعدد و متعه خواهد شد. اگر به موضوع توجه نشود و از طرفی متعه محکوم و طبق تفکر غربی مرد را چند همسری معرفی کنیم، چه فساد بر جامعه‌ی حاکم خواهد شد که فساد فعلی غرب از این تفکر آب می‌خورد. به فرض اینکه مسأله‌ی تعدد زوجات، کاری نادرست باشد، ولی تنها به خاطر افزایش نسبت زنان نیازمند به ازدواج مردان است یا قبول فرهنگ ازدواج موقت یا تعدد زوجات یا رواج فساد؟ کدام؟! جامعه، زمانی تک همسری را نجات خواهد داد که فکر اصلاح و جلوگیری از فساد را در سر پیوراند، آن وقت با قضایا به طور طبیعی برخورد می‌کند. فزونی زنان در این عصر و سرکوب تعدد زوجات، خیانت به بشریت است. بحرانی که از تفکر غلط و منفی بر چند همسری و متعه عارض شده از هر بحران دیگری خطرناک تر است؛ زیرا جلوگیری از حقوق طبیعی و محروم ساختن زنان از حقوق خویش می‌باشد. وقتی زنان - با توجه به فزونی زنان در جامعه - از تشکیل خانواده و استفاده از غرایز طبیعی محروم باشند، کوشش خواهند کرد به هر طریقی که شده به انحراف مردان پردازند. وقتی ماجرا به این نقطه رسید نوبت به زنان خانه دار می‌رسد. باز، تفکر غلط زنان به بهانه‌ی خیانت شوهران (ازدواج مجدد و متعه) باعث می‌شود که زنان هم بفکر خیانت بیفتند! ازدواج موقت قالب محدود کننده‌ی غرایز است که شرع مقدس اسلام آن را برای حل مشکل غریزه وضع کرده است. ضمناً در ازدواج موقت یا تعدد، هر زنی تنها محدود به یک نفر مرد خواهد بود (و در فرض بیجه دار شدن، پدر بیجه مشتبّه نمی‌شود). اگر همه دقت کنند می‌فهمند که ازدواج موقت به عنوان یک اقدام ضروری مورد پذیرش است نه اصلح (شایسته تر). قانون متعه از دیدگاه مذهب جعفری (شیعه‌ی دوازده امامی) به منظور جلوگیری از روابط نامشروع و حفظ و صیانت جامعه از فحشاء می‌باشد. شاید بتوان گفت آمار فساد بین افراد متأهل و مجرد برابر است، فقط متأهلین با توجه به در اختیار داشتن خانه، کارخانه، کارگاه و ... برای ارضاء غرایز، فعلشان مشهود نیست ولی جوانان بی‌بضاعت به خاطر عدم امکانات، روابط غیر شرعی را در کوچه و بازار آشکار می‌نمایند و این تقصیر کسانی است که نگذاشتند ازدواج موقت، امری عادی و رسمی باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: لَوْ لَمْ يَكُنْ سَبَقَ بِهِ ابْنُ الْخَطَّابِ مَا زَنَى إِلَّا شَقِيًّا (اگر نبود آنچه عمر بن خطاب بر آن سبقت جست (یعنی تحریم متعه) - هرگز زنا نمی‌کرد جز انسان بدبخت!) (وسائل الشیعه، ۱۴/۴۳۷). حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: ایمان زنان در تحمل «هو» و ازدواج متعدد ظاهر می‌شود (روضة المتقین، علامه‌ی مجلسی اول، ۸/۳۸۴ و ۳۸۵).

مردی از همسرش نزد امام صادق علیه السلام خیلی تعریف و تمجید کرد، حضرت فرمود: زن را باید با هوو امتحان کرد اگر خوب بود قابل تحسین است. آن مرد زن دیگری گرفت و ذره‌ای از ایمان زن پاک، کاسته نشد و به این مسئله اعتراض نکرد. آن مرد جریان را به امام صادق علیه السلام گفت و امام فرمود: آری! زَنَت آنگونه است که می‌گوئی (روضه المتقین، ۸/۳۸۵؛ مسائل ازدواج و حقوق خانواده، ص ۱۷۵). حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «غیرت ورزی زن و مبارزه کردنش با تعدد زوجات و یا ازدواج موقت شوهرش، از آثار بی دینی و عدم اعتقاد به خداست» (نهج البلاغه، چاپ فیض الاسلام، حکمت ۱۱۹/ ص ۱۱۴۴). فساد و فزونی جمعیت زنان و بی سرپرستی آنان، غرایز را به جایی رسانده که به خاطر تأخیر یا عدم ازدواج، دختران همدیگر را میبوسند، با هم می‌رقصند، مقابل یکدیگر عریان می‌شوند و مرتکب خودارضائی از طریق خود (مُساحقه / لُزینیسیم) یا حیوانات می‌شوند. آیا باز هم قانون متعه و تعدد زوجات قبیح است؟! آیا زنان مسلمان و با ایمان می‌خواهند اسلام زنده بماند؟ زن مسلمان باید بداند که ممنوعیت تعدد زوجات و متعه، سبب گرفتاری در دام زنا، مساحقه، لواط، استمناء و آلودگی به انواع امراض است. به یاد داشته باشیم که خداوند متعال و حضرت علی علیه السلام بهتر از ما می‌فهمند. ما هستیم که دچار کج فهمی می‌شویم! البته مستحب است سنت ازدواج مجدد و متعه را با نیت پاک و برای تأمین نیاز اجتماعی، عمل نماییم و به پیامبر خداوند و ائمه اطهار علیهم السلام تأسی (پیروی) کنیم (رجوع شود به: جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۲۹/ ص ۳۵).

پیشنهاد زن به مرد یا دختر به پسر برای ازدواج موقت

پیشنهاد زن به مرد برای ازدواج موقت نه تنها اشکال ندارد و منافاتی با حیای زن ندارد؛ بلکه ناشی از درک و شعور و روحیه پاکدامنی زن و اطاعت او از دستورات الهی می‌باشد. ازدواج موقت از مستحبات مؤکد است؛ یعنی عملی که خدا خیلی دوست دارد، بنده اش انجام دهد و پاک بماند. تمایل زنان به ازدواج موقت نشانه‌ی عفت آنان می‌باشد. رواج فرهنگ ازدواج موقت به صلاح جامعه است؛ زیرا برای بسیاری از افراد متدین چه مرد و چه زن، طبق فتوای مراجع تقلید اگر به گناه بیفتند واجب است ازدواج (دائم یا موقت) کنند.

[ازدواج با دختر باکره بدون اجازه‌ی پدر و مادر]

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: دختری نوجوان و باکره است که پدر و مادر او زنده‌اند و تحت نظر آنها قرار دارد؛ ولی - به حساب علاقه‌ای که به من دارد پنهان از پدر و مادرش، مرا به سوی خود می‌خواند؛ پس آیا من با او آن کار را بکنم؟! ... حضرت فرمودند: بلی، ولی بپرهیز از موضع فحش آن دختر - یعنی آلت خود را به آن قسمت نرسان! گفتم: پس اگر راضی شود که آلت‌هایمان را هم به یکدیگر برسانیم، حکم آن چیست؟! حضرت فرمودند: اگر چه راضی هم شد، باز این کار را نکن! چرا که این موجب ننگ و عار برای دختران باکره است! (وسائل الشیعه، حدیث ۲۶۴۵۴). شیخ مفید (از بزرگترین فقهای امامیه، فوت: ۴۱۳ ق) نیز در رساله‌ی متعه از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «باکی نیست به ازدواج با دختر باکره، هرگاه خودش راضی باشد، بدون اجازه‌ی پدرش». نیز از همان حضرت نقل می‌کند که فرمود: «باکی نیست که متعه کند دختر باکره را، در صورتی که دخول به او نکند، تا سبب شرمندگی او نزد خانواده اش شود.» (از اینکه پرده‌ی بکارت خود را از دست داده) (بحار الانوار، علامه‌ی مجلسی، ج ۱۰۳/ ص ۳۰۸؛ حدیث ۲۶). بشر بن حمزه می‌گوید: در زمان امام باقر علیه السلام یکی از رجال قریش به من گفت: دختر عموی من که دارای مال بسیار بود دنبال فرستاده، پیغام داد: تو می‌دانی چقدر برای من خواستگار آمده و من همه را جواب رد داده‌ام و نیز دنبال تو نفرستادم به خاطر رَغَبَت به مردان! اما شنیده‌ام که خدا مُتعه را در کتاب خود حلال دانسته و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز آن را در سنت خود جاری ساخته، اما عمر (لع) آن را حرام دانسته است. حال، من می‌خواهم

خدا و رسولش را اطاعت نموده و عُمَر را عَصیان (نافرمانی) نمایم! پس تو مرا مُتعه نما! (به عقد موقت خود درآور!) . به او گفتیم: اجازه بده، خدمت امام باقر برسم و از او سؤال کنم. خدمت حضرت رسیده، مشاوره کردم. حضرت فرمودند: این کار را انجام بده! سپس امام فرمود: درود خدا بر شما دو همسر! (فروع کافی، شیخ کلینی، ج ۵/ ص ۴۶۵). * از جمله مراجع تقلیدی که فتوا به جواز ازدواج موقت با دختر باکره - حتی بدون اجازه پدرش - داده‌اند، می‌توان به مرحوم آیت الله سید محمود شاهرودی؛ مرحوم آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی و آیت الله سید صادق روحانی - یکی از مراجع عصر حاضر - اشاره کرد، که می‌فرمایند: «دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده (دارای رشد عقلی) است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد؛ اگر بخواهد شوهر کند (چه موقت، چه دائم)، لازم نیست از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد؛ چه دختر باکره باشد یا نباشد» (توضیح المسائل آیت الله سید صادق روحانی، مسأله‌ی ۲۳۷۳). حتی مراجع تقلیدی که قائل به این شده‌اند که اذن پدر لازمست، اغلب این حکم را در قالب «احتیاط واجب» بیان داشته‌اند، که در حکم فتوا نیست و می‌توان از مرجعی که آن را جایز می‌داند در این مسأله تقلید کرد. مضافاً اینکه، آنها نیز در مسأله‌ی بعد از همین مسأله (توضیح المسائل، شرایط عقد)، تصریح می‌کنند که اگر دختر، به سختی و حَرَج (بر اثر فشار غریزه‌ی جنسی) افتاده باشد و پدر اجازه ندهد، باز هم دختر می‌تواند بدون اجازه پدرش با پسری که کفو (هم شأن) او است، ازدواج موقت یا دائم کند. اکثریت فقهاء اخباری شیعه نیز، ازدواج موقت (مُتعه) دختر باکره - بدون اجازه پدر - را به حکم روایات مُستفیضه (متعدد و یقین آور) از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، جایز دانسته‌اند؛ مانند مرحوم علامه محمد تقی مجلسی اول، در رَوْضَةُ الْمُتَّقِينَ (۸/ ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۵۰۵) و رساله‌ی احکام فارسی (یک دوره فقه کامل فارسی، انتشارات فراهانی، ص ۱۴۶) و نیز فرزند گرامی وی علامه محمد باقر مجلسی دوم، در مَلَاذُ الْأَخْيَار (ج ۱۲/ ص ۳۸)، که همو در رساله‌ای فارسی نوشته است ...: «و أَيْضاً (همچنین)، ظاهر بسیاری از اخبار و قول اکثر اصحاب (شیعه) آنست که در باکره‌ی عاقله‌ی بالغه، رضای دختر کافی است...» (بیست و پنج رساله فارسی، علامه محمد باقر مجلسی، ش ۲۴: رساله صَبِيغٍ عَقُودِ نِكَاح ص ۵۴۰) و نیز مانند جناب شیخ حُرّ عاملی در وسائل الشَّيْعَةِ (چاپ ربّانی، ج ۷/ ص ۴۵۷-۴۶۰/ باب ۱۱ از ابواب متعه) و مرحوم مُحَدِّث نوری در مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل (۱۴/ ۴۵۹/ باب دهم از ابواب متعه) و ... آیت الله سید صادق روحانی، در «فقه الصادق علیه السلام» (ج ۲۱/ ص ۱۵۲ تا ۱۶۲) نظرات فقهاء اصولی قدیم شیعه را نیز نقل نموده است؛ از آن جمله مینویسد که: شیخ طوسی (أَعْلَمُ فَقْهَاءِ شِيعَةٍ، فوت: ۴۶۰ ق) در تهذیب الْأَحْكَام (۷/ ۲۵۴ و ۲۵۵) و استبصار (۳/ ۱۴۵)؛ محقق حَلّی (ف ۶۷۶ ق) در کتاب شرایع الإسلام؛ علامه‌ی حَلّی (ف ۷۲۶ ق) در دو کتاب قواعد الْأَحْكَام و تَبَيُّرَةُ الْمُتَعَلِّمِينَ و شهید ثانی (ف ۹۶۶ ق) در مَسَالِكِ الْاِفْهَام و بلکه مشهور فقهاء قدیم شیعه - چه اصولی و چه اخباری - فتوا به استقلال دختر باکره در تصمیم‌گیری برای ازدواج موقت با پسر مورد علاقه‌ی خودش داده‌اند و حتی سید مرتضی (استاد شیخ طوسی؛ فوت: ۴۳۶ ق) در دو کتاب الْإِنْتِصَار و مسائل ناصریات، ادّعیای اجماع (اتفاق نظر همگی فقهاء شیعه) بر این فتوا را نموده و دلیل آن را این قاعده‌ی فقهی می‌داند: «الْإِنْسَانُ مُسْلِمٌ عَلَى أَنْفْسِهِمْ» (تمام انسانها بر خودشان مسلط و صاحب اختیار هستند) یعنی دختر باکره‌ی عاقله نیز یک انسان است و صاحب اختیار امور خود می‌باشد....

راه چاره چیست؟

باید به تبلیغات سوء از هر ناحیه گوش نکرد. به قول یکی از نویسندگان: «اگر ازدواج موقت از ناحیه‌ی غرب عرضه می‌شد، آن وقت می‌دیدید که چه کنفرانسها و سمینارها برایش تشکیل می‌دادند و چقدر آن را مترقی جلوه می‌دادند!» (نظام حقوقی زن در اسلام، مرتضی مطهری). آنجا که انسانها را باید اصلاح و آگاه سازیم به دلیل عدم لیاقت در اصلاح انسانها نباید مرتباً به جان مواد قانونی بیفتیم و انسانها را تبرئه کنیم و قوانین را مسئول بدانیم. باید متذکر شویم، تردیدی نیست که تمام ادیان آسمانی بر ضد هوسرانی و هواپرستی قیام کرده‌اند؛ تا آنجا که بسیاری از پیروان ادیان آسمانی به ترک هواپرستی و تحمل ریاضت‌های سخت

برآمده‌اند و کسانی که هدفشان کام جوئی بوده ملعون و مبعوض خداوند معرفی شده‌اند. آنان که با ازدواج موقت یا تعدد زوجات مخالفت می‌کنند، باعث می‌شوند که روزی مردانشان، دنبال همجنس بازی باشند. آن وقت بینیم که زنان در مقابل این گمراهی جنسی چه خواهند کرد. در غرب چند همسری ممنوع است، اما همجنس بازی آزاد! جای تعجب است که عقیده‌ی رایج روانشناسان و فیلسوفان اجتماعی غرب بر این است که: «مرد، چند همسری آفریده شده و تک همسری بر خلاف طبیعت اوست».

تحریم متعه و خط انحراف

اصل مشروع بودن این نوع ازدواج از اول مورد اتفاق و اجماع تمام مسلمانان اعم از سنی و شیعه می‌باشد. مورد اتفاق است که ازدواج موقت از طرف خداوند، به وسیله‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تشریع گردیده و مشروع بودن این حکم به قدری روشن و واضح است که حکم متعه از ضروریات می‌باشد. مخالفت با ازدواج موقت اهل سنت را طوری به انحراف کشانده که بعضی از آنها فتوا می‌دهند که لواط اگر در سفر باشد اشکالی ندارد و حرام نیست!! [رجوع شود به کتاب "مُغِیْثُ الْخَلْقِ" امام الحَرَمِینِ جَوْنِی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف - فقیه شافعی، فوت: ۴۷۸ ق - که در صفحه‌ی ۷۷ و ۷۸ آن، بر فتوای زشت مالک بن انس (امام مالکی ها) در تجویز لواط به پسر - برای مرد مسافر بدون زن - اشکال کرده است!! نیز رجوع شود به کتاب [فقه حنفی بهترین راه ارضاء و کنترل نیاز جنسی!!، حمید عزیزی]. فخر رازی می‌گوید: تمام علمای اسلام اتفاق نظر دارند که متعه در اسلام مباح بوده (رجوع شود به تفسیر آیه‌ی کریمه: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ»، آیه‌ی ۲۴/ سوره‌ی نساء، تفسیر فخر رازی - سنی شافعی مذهب، ج ۱۰/ ص ۵۰ به بعد) و همه‌ی مفسرین اهل سنت و شیعه، آیه را مربوط به ازدواج موقت میدانند و اجرِ اِستِمْتاع (بهره‌مند شدن جنسی) را پرداخت مهریه‌ی نکاح موقت می‌دانند، زیرا خداوند متعال در اول این سوره حکم ازدواج دائم را روشن فرموده و می‌فرماید: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (... سوره‌ی نساء / آیه‌ی ۴) و اگر آیه‌ی ۲۴ سوره هم درباره‌ی ازدواج دائم باشد، تکرار یک موضوع بدون فایده خواهد بود؛ که این با بَلَاغَتِ قرآن سازگار نیست. از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کنند که مُنادی از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به میان مردم آمد و اعلام نمود که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شما اجازه داد که استمتاع (ازدواج موقت) کنید» (وسائل الشیعه، ۱۳/ ۴۳۶). عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که ما در یکی از جنگها در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم و زنان ما همراه ما نبودند؛ عرضه داشتیم: یا رسول الله، آیا خود را اخته کنیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما را از این کار نهی کرد، سپس به ما اجازه داد با زنی در مقابل یک قطعه لباس برای مدتی ازدواج کنیم. سپس عبد الله این آیه را خواند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاک و گوارائی را که خدا بر شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید و از حدود و قوانین خدا تجاوز نکنید؛ خدا تجاوزکاران را دوست ندارد» [یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (صحيح بخاری جلد ۶، تفسیر سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸۷ و جلد ۷، کتاب النکاح). که خود این حدیث دلیل بر ازدواج موقت است و اگر عمر (لع) ازدواج موقت را حرام کرد، خیال کرد، این امر داخل در حوزه‌ی اختیارات «ولی امر مسلمین» است و هر حاکمی می‌تواند به مقتضای زمان هر جا خواست احکام خدا را تغییر و حلالی را حرام نماید!! (محمّد حسین کاشف الغطاء). [و به قول مرحوم استاد محمّد باقر کمره‌ای - در ترجمه‌ی کمال الدین شیخ صدوق (ره) (ج ۱/ ص ۱۰ ...): «اتخاذ خِذْن (دوست و همدم) که زنی رفیق مردی باشد و بدون قرار و دستوری با او به سر بُرد، در شریعت اسلام عَدَغْن شد (سوره‌ی نساء / ۲۵ و سوره‌ی مائده / ۵؛ که در این دو آیه‌ی کریمه، از «دوست پسر» و «دوست دختر» با عنوان آخذان - جمع خِذْن (همدم) - یاد شده و تحریم گشته است) و چون زناشوئی رسمی و دائمی - با همه تسهیلاتی که شرع اسلام درباره‌ی آن به عمل آورد - از نظر مقررات عرفی و مشکلات اجتماعی، کافی برای رفع حاجت جامعه نبود، شرع اسلام متعه را تشریع کرد که عبارت از قرار موقتی است با اجرتی معین و گرفتاری زناشوئی دائمی را ندارد و چون این

متعّهی زنان، معمول عرب‌های زمان جاهلیت نبود، پس بر مزاج عمر (لع) (که اخلاق و منشی چون اعراب جاهلیت داشت) گران می‌آمده است!!]. [در رساله‌ی «جامع عباسی» - که مرحوم شیخ بهاء الدّین عاملی، آن را برای مرحوم شاه عباس صفوی، در احکام شرع و مسائل دینی نوشته است - چنین می‌خوانیم «در (کتاب) صحیح ترمذی هَروِی (ج ۴/ص ۳۹، حدیث ۸۲۴) - که یکی از علماء مخالفین (سُنیان و کتابش یکی از شش کتاب صحاح سَنَنی ایشان) است - مذکور است که: شخصی از اهل شام، از عبدالله بن عُمَر پرسید که پدر تو (یعنی عُمَر) مُتَعّه را نهی کرده است (اما تو که پسرش هستی، خودت این همه به متعه نمودن علاقه داری؟!). او در جواب شامی گفت: اگرچه پدرم نهی کرده، اما حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم حلال کرده است و کاری که آن حضرت (که پیامبر خدا است) حلال کرده باشد، جهت قول پدرم (عمر) ترک نمی‌توان کرد! (جامع عباسی، شیخ بهائی - نظام الدّین ساوَجی، چاپ جامعه‌ی مدرّسین قم، ص ۶۰۸ و ۶۰۹). مرحوم آیت الله خوئی در کتاب گرانقدر «البيان في علوم القرآن»، در آیه‌ی شماره‌ی سیزده از فصل مربوط به مبحث بررسی نسخ آیات قرآنی، همین آیه‌ی کریمه‌ی مُتَعّه (نساء/۲۴) را مورد بحث قرار داده و از مدارک خود اهل سنت شاهد می‌آورد و ثابت می‌کند که ادّعای نسخ این آیه، ادّعایی باطل بوده و مشروعیت سنت متعه همچنان به قوّت خود باقیست. وی در این رابطه حدود بیست صفحه به بحث و جوابگویی به شُبّهات اهل سنت پرداخته است. (البيان، چاپ انوارالهُدی، ص ۳۱۳ تا ۳۳۱). نیز در تعلیقه‌ی ش ۷ بر مطلب ص ۳۲۰، با ارائه‌ی ۱۲ شاهد از مدارک خود سُنیان، ثابت می‌کند که ایشان در چاپهای اخیر کتاب «صحیح بخاری»، در حدیث مربوط به مشروعیت مُتَعّه، چند تحریف عمدی به عمل آورده‌اند، که چاپ قدیم این کتاب - که در کتابخانه‌ها در دسترس است - گواهی دیگر بر این تحریفات است! (البيان، همان چاپ، ص ۵۱۰-۵۱۲). (نقل از مقاله‌ی «مُتَعّه» آقای علی بشیری لمجیری، که برای «دایرة المعارف تشیع» نوشته‌اند و در اختیار ما نیز نهاده‌اند). اکنون، اگر عدّه‌ای اشکال کنند که ازدواج موقت با قانون عَفاف زنان منافات دارد، باید گفت از نظر شرایط و دارا بودن عدّه مانند ازدواج دائم است. پس این طور نیست که زن بتواند هر روز خود را در اختیار مردی قرار دهد و اگر ازدواج موقت با قانون عَفاف زنان مُغایر باشد، در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز باید مغایر می‌بود و نمی‌شود ازدواج موقت را در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم استثناء کنیم و در سایر زمانها زشت جلوه بدهیم. (الغدیر، علامه‌ی امینی، جلد ۶).

چرا صیغه خواندن و چرا عربی؟

[اگر اشکال کنند که خواندن صیغه، در مشروعیت ازدواج و حلال شدن زن چه اثری دارد؟ در جواب می‌گوییم: اوّلًا- خواندن صیغه نوعی التزام و تعهّد عملی، اخلاقی، اجتماعی و مذهبی نسبت به عهد و پیمان است و عُرْفاً ایجاد یک حریم شرعی غیر قابل نقض، برای مُتَعاقِدین (طرفین عقد و قرارداد) می‌کند؛ که بدون خواندن صیغه، هر یک از آن دو می‌تواند به راحتی خیانت کرده و مُنکر تعهّدات خود شود و چیزی یا چیزهایی را انکار کند! به عبارت بهتر، خواندن صیغه، زناشویی را از صِرْفِ یک عمل غریزی و حیوانی، به یک عمل قانونی، اخلاقی و انسانی مُتَبَدّل می‌سازد. ثانیاً- احکام شرع مقدّس، تعَبّیدی (بنده‌وارانه) و توقیفی (متوقف بر دستور شارع و بس) می‌باشد و کسی حقّ سؤال پیرامون علّت آن را ندارد و مقتضای ایمان صحیح نیز همین است (و این گونه سؤالات ناشی از ضعف ایمان و یا بی‌ایمانی شخص است). و اما عربی بودن صیغه - که برخی ناآگاهان به آن نیز اشکال می‌کنند - همانند عربی بودن الفاظ نماز و بسیاری دیگر از اعمال شریعت، به سبب آنست که زبان مقدّس عربی، زبان رسمی و قانونی شرع اسلام می‌باشد و این نیز امری تعَبّیدی و توقیفی است (که ما حقّ چون و چرا در این دستور الهی را نداریم). (برگرفته از مقاله‌ی «مُتَعّه»، که آقای علی بشیری لمجیری، برای «دایرة المعارف تشیع» نوشته‌اند).]

فضیلت و فوائد ازدواج موقت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: وقتی مرا به معراج بردند، جبرئیل از جانب خداوند پیغامی آورد که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «همانا زنان امت تو را که به ازدواج موقت درآیند می‌بخشم» (وسائل الشیعه، ۱۴/۴۴۲). در دستور امام علیه السلام به اسماعیل جعفی است که ازدواج موقت کند و لو با سندیّه (منسوب به سِند و هند) (وسائل الشیعه، ۱۴/۴۴۴). از امام رضا علیه السلام روایت شده که: درجه‌ی ایمان هیچ مؤمنی کامل نمی‌شود؛ مگر آنکه متعه انجام دهد (وسائل الشیعه، ۱۴/۴۴۲). و از جمله خواصّی که بر ازدواج موقت، مُترتب و محبوب نزد خدا است، اینکه علاوه بر مصلحت‌های داعیه (برانگیزنده)‌ای که دارد، چون همه‌ی مردم قادر به ادای حقوق ازدواج دائمی نبودند؛ در صورت عدم تشریع این حکم بسیاری مرتکب زنا می‌شدند. و همچنین دوری زنان از ازدواج موقت باعث ارتباط نامشروع آنها با مردان و به فحشاء کشیده شدن آنها می‌شود.

انتقاد به نویسندگان

بسیاری از نویسندگان با توجه به راهیابی سی دی، اینترنت، ماهواره و ... مقرّرات [و قوانین و آداب و رسوم] دست و پاگیر (و نگاه تحقیر آمیز به ازدواج موقت)، پوششهای نامناسب، آرایش‌های غلیظ و مدهای غربی که جوانان دختر و پسر را در خطر جدّی قرار داده و باعث تحریک غریزه‌ی شهوانی جوانان می‌شود، «رواج معنویت در زندگی» را به عنوان داروی کنترل ارضاء شهوت به همه معرفی می‌نماید، درحالی که واقعیت این است که بسیاری از خانواده‌ها حتی از موارد جزئی شؤونات (اخلاقی و اسلامی)، اطلاعی ندارند [و از طرف دیگر، خود جوانان و نوجوانان دیندار و متدین نیز، غیر عامدانه، زیر فشار ناکامی غرایز جنسی و تحریک غیرعمدی شهوت و دستگاه تناسلی خودشان و احتلام‌ها و جنابت‌های مکرّر شبانه، دست و پا می‌زنند]. پس با توجه به رشد غرایز جنسی و شدت آن و عدم توانائی و کمک والدین به فرزندان، با حرف نمی‌توان جلوی این سردرگمی و بدبختی جوانان را گرفت. کدام پدر متدین است که با در نظر گرفتن عوامل و فشارهای مختلف اقتصادی، توژم، بیکاری، [گرانی اجاره و بهای] مسکن، [سرسام آور بودن] هزینه‌ی ازدواج [دائم]، چشم و هم چشمی، توقعات خانوادگی، مهریه‌های سنگین، آداب و رسوم غلط [و میهمانی‌های پرخرج فامیلی هفتگی، پس از ازدواج] و بالا رفتن سن ازدواج، توانسته جرأت کند و به فکر تعدیل غرایز فرزندش از راه ازدواج موقت باشد؟! چرا عده‌ای از پدران، نویسندگان، مسئولین و ... منتظر هستند تا اتفاقی بیفتد و زنا و روابط نامشروع [و تجاوز دسته جمعی و دیوانه وار، مانند جریان خمینی شهر و کاشمر و ... در سال ۱۳۹۰ ش] در جامعه‌ی مسلمانان رایج شود و بعداً اگر وقت کردند و کارائی داشتند، بتوانند چاره اندیشیده یا نسبت به سنت متعه (ازدواج موقت مشروع) کاری انجام دهند؟! تأخیر افتادن ازدواج جوانان، خطر گسترش فحشاء و انحرافات متعدد اخلاقی را از هیچ خانواده‌ای دور نمی‌کند؛ بلکه عفت و پاکی جامعه به سرعت به خطر می‌افتد، تا چه وقت باید نسبت به این سنت عزیز با بی مهری و حسد زنانه برخورد شود؟! ویل دورانت می‌گوید: غرایز جوانان، سالم است و زود می‌تواند تحت قید و بند درآید؛ ولی پدران محتاط و مادران حسود برای زن دادن به فرزندانشان نخست از درآمد می‌پرسند. اینها هیجان مرده‌ی خود را فراموش کرده‌اند! این بزگسالانند که خیر اجتماع را در نظر نمی‌گیرند و به امور طبیعی بی‌اعتنا می‌شوند و در حقیقت خود، مُشوّق عیاشی جوانان می‌شوند. بعضی از اساتید و سخنرانان حوزه و دانشگاه به خاطر جلب مردم به خود - نه خدا - در مقابل نظر مولا علی علیه السلام و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام اظهار نظر می‌کنند و در مقام توجیه - با این تعبیر که «تا حضرت زهرا (س) زنده بود، علی علیه السلام ازدواج موقت یا دائم انجام نداد» - برمی آیند. مگر کسی در مقام حضرت زهرا (س) می‌تواند باشد که خودشان و زنانشان را با حضرت صدیقه‌ی شهیده (س) مقایسه می‌کنند؟! أمّ البنین (مادر حضرت عبّاس ع) شخصیت والاّئی داشت ولی با این حال حضرت علی علیه السلام همسران دیگری نیز داشتند. اگر الگوگیری می‌کنیم، مانند أمّ البنین (س) باشیم که خود و فرزندانش را وقف خدمت به دین و امامان زمان خود کرد.

مخالفان ازدواج موقت، یا دروغگو هستند یا بیمار یا جاهل یا فاسد.

انسان که می‌داند که دخترش یا خواهرش به حرام می‌افتد، آیا وجدانش راضی می‌شود که او به حرام مبتلا شود ولی از راه حلالی که خداوند آن را تعیین نموده، روی برگرداند؟! بسیاری از زنان، بیوه شده یا طلاق گرفته‌اند؛ چرا نباید با ارضاء شهوت جنسی از راه شرعی سلامتی جسمی و روحی خود را حفظ کنند؟! سؤال این است انسان عاقل و مؤمن و متدین کدام یک از راه‌ها را انتخاب می‌کند: استمناء، سَیِّحُ (مَسَاحِقَه)، زنا یا ازدواج موقت؟ بسیاری از بیوه زنانی که با آنها گفت و گو شده با تمام وجود، حاضر به ازدواج موقت هستند ولی فرهنگ جامعه را مانع می‌دانند و برای حفظ آبرو مجبورند تحمل کنند!

مشکل دانستن ازدواج موقت، عامل طغیان جنسی استمناء

طغیان جنسی مهم ترین و پیچیده ترین مسأله‌ای است که اکثر مردم (خصوصاً نسل جوان) با آن درگیر هستند و این عامل زیربنای انحراف جنسی و روحی است. در جوانی که میل نفسانی انسان در اوج قدرت و شدت است، این میل هم در کمال قدرت می‌باشد و محرومیت از ارضاء جنسی در ردیف مشکل ترین محرومیتها می‌باشد که بشر با آن مواجه است، زیرا تحمل محرومیت ارضاء غریزه که از لذت بیشتری برخوردار است، از هر مشکلی سخت و طاقت فرساتر است و باید گفت تعدیل غریزه جنسی در جوانی خطر بزرگی است. اگر هدایت جامعه به طرف ازدواج‌های موقت صورت نگیرد، ارتکاب به «خود ارضائی» یکی از راه‌های طغیان جنسی است. خود ارضائی با وجود ازدواج موقت بیراهه‌ای برای ارضاء میل سرکش جنسی است که نسل جوان را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد؛ لذا نام او را بیماری نهاده‌اند. دین مبین اسلام، انسان را در معرض آسیب‌های مثبت و منفی دنیوی اعمالش متوجه ساخته است. خود ارضائی را که اسلام به شدت نهی کرده، از آن جهت است که در قلب و دل آدمی اثری بد می‌گذارد. با ذکر چند روایت، شاید پدران و مادران و جوانان عزیز هم بتوانند از این گناه مُهْلِک، رهائی یافته و اهمیت ازدواج موقت و ضرورت آن نیز به خوبی، آشکار شود. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «روز قیامت خداوند با شخص «خود ارضاء» (النَّاسُ نَفْسُهُ = کسی که با خود ازدواج می‌کند!) گفتگو نخواهد کرد و نظر رحمت به او نمی‌نماید!» (الخِصَال، شیخ صدوق، ج ۱/ص ۵۲). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «[أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ... عَلَى ... نَاكِحٍ يَدِهِ ... وَ عَلَى رَجُلٍ تَأَنَّثَ وَ عَلَى امْرَأَةٍ تَذَكَّرَتْ ... وَ عَلَى النَّاطِقِينَ أَشْفَاراً بِالْخَنِیْ]» «لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ» تمام بشر بر شخص استمناء کننده که با دست خود ازدواج می‌کند و بر مردی که در رفتار یا گفتار، مانند زنان باشد و بر زنی که در رفتار و گفتار، مثل مردان باشد و بر کسانی که هر حرف پرت و پلا بر زبان آورند و سخنان زشت گویند» (... كُتِرَ الْعَمَالُ، متقی هندی، حدیث ۴۴۰۵۷). آیا کسانی که با سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت می‌کنند و زمینه‌ی ارتکاب جوانان و زنان و مردان را به استمناء و ... فراهم می‌کنند، خداوند بر آنها لعنت نخواهد فرستاد؟! به خاطر عدم دسترسی به ازدواج شرعی و عدم ارضاء میل جنسی در جوانان و فکر گناه، کم کم انسان به طرف گناه کشیده می‌شود و قلب می‌میرد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: [مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا] «کسی که در انجام گناه زیاد فکر کند بالاخره به گناه کشیده می‌شود» [عَزَّوَالْحِکْم، حدیث ۳۴۴۳]. و انسان به جایی قدم می‌گذارد که دل می‌میرد: [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: "گناه روی گناه، قلب را می‌میراند. بحار الانوار، علامه‌ی مجلسی، ج ۲، ص ۱۲۸، حدیث ۱۰۸]. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: [لَا وَجَعَ أَوْجَعُ لِلْقُلُوبِ مِنَ الذُّنُوبِ] «برای دلها هیچ بیماری دردناکتر از گناه نیست» (بحار الانوار، ۷۳/۳۴۲). ترک گناه و دوری از آن به هر طریق شرعی که باشد بهترین عبادت است. [امام صادق علیه السلام فرمود:] حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: [أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ] «برترین عبادت، دوری از گناه (عفت) است». [اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ۳/۱۲۵]. پس بهتر است «عار را بخیریم و نه نار را!». اکنون، ای مسلمانان که طراوت

و پاکی دین را باید در شما دید و شناخت؛ با این آسیبهائی که خوانده شد، از این به بعد چه فکری در جامعه خواهید داشت؟ آیا مروج فرهنگ ازدواج موقت خواهید بود؟

درمان خود ارضائی

بیشترین آسیبهای این بیماری، ضعف در چشم، لاغری صورت، ضعف اعصاب، سردرد و سرگیجه، سرماخوردگی زود به زود، کم خونی، سست شدن زانو، ضعف حافظه، اختلالات شنوایی، خواب و انزال زود رس و ... برای همه مشخص است. اگر گفته شود خود ارضائی امری است که خود به خود یا به وسیلهی ازدواج درمان خواهد شد، تصور غلطی می‌باشد. نخستین گام درمان این عادت شوم، اعتقاد و ایمان به قابل درمان بود آن و دوری از ناامیدی است و مهمترین عامل برای درمان، اراده و خواست فرد می‌باشد و اراده، تقویت شدنی بوده و آن این است که بر خلاف میل خود، اندک اندک به مقابله با این عادت شوم برخیزد. انحراف با فطرت سازگار نیست و به همین علت است که فرد مبتلا در عمق وجودش نادم است و راهی به سوی پاکی و رهائی می‌جوید و در دوران جوانی، انسان در هیچ زمینه‌ای تا این اندازه آسیب پذیر نیست، از این رو باید به پیشگیری بیشتر از درمان توجه داشت.

راه‌های درمان استمناء

۱- سعی کنید در مکان‌های خلوت و تنها نمانید. تنهائی، عامل مهمی برای تحریک این عمل می‌باشد. ۲- در کنار پرهیز از تنهائی، برنامه ریزی لازم برای گسترش ارتباط سالم با دوستان سالم و شایسته به جای افراد ناصالح. ۳- برای کسب موفقیت در امر ارتباط سالم، اگر کار یا مسئولیتی که توان انجام آن را دارید به شما پیشنهاد شد، بپذیرید. در مساجد و جلسات دینی و مجالس مذهبی شرکت کنید ... ۴- مرتب به خود (تلقین کرده) بگویید: «من می‌توانم این عمل را ترک کنم!». ۵- توجه به معنویت، شرکت در نماز جماعت و مراسم اهل بیت، سحرخیزی و کم خوری، خواندن سوره‌های مُعوذَتین (پناه دهندگان از شرّ جنّ و انس؛ دو سوره‌ی آخر قرآن کریم: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ... و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) ... و روزه‌ی مستحبی. ۶- افکار جنسی را به ذهنتان خطور ندهید، به خصوص موقع خواب. ۷- تنبیه بدنی، مثلاً کش نازکی را به میچ دست بندید و هنگام تحریک آن را بکشید و رها کنید که این عمل برای از بین بردن تحریک و ترک عمل مؤثر است. ۸- هیچ گاه در حمام کاملاً عریان نشوید و به اندام جنسی خود در آینه نگاه نکنید. ۹- برای نظافت موهای زاید بدن هرگز از تیغ و صابون استفاده نکنید. حتی الامکان با فاصله‌ی زمانی بیشتری، موهای زاید بدن را ازاله کنید. ۱۰- از نگاه به مواضع جنسی و برجستگی‌های بدن دیگران (حتی از روی لباس) پرهیزید. ۱۱- هنگام خواب، زیاد شکم خود را از غذا پر نکنید و از نوشیدن افراطی آب و مایعات پرهیزید. ۱۲- هرگز به رو (دَمَر) نخوابید. [دَمَر خوابیدن نه تنها تحریک کننده‌ی شهوت و آلت تناسلی است، بلکه به قلب، ششها، قفسه‌ی سینه و گردن، فشار می‌آورد و در شرع اسلام این نحو خوابیدن مکروه است؛ چنانکه امام حسن عسکری علیه السلام در حدیثی برای احمد بن اسحاق بیان داشته‌اند که: اَنَّ نَوْمَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى أَقْفَتِهِمْ وَ نَوْمَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَيْمَانِهِمْ وَ نَوْمَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى شَمَائِلِهِمْ وَ نَوْمَ الشَّيَاطِينِ عَلَى وُجُوهِهِمْ خوابیدن پیغمبران علیه السلام بر پشت و خوابیدن مؤمنین بجانب راست و خوابیدن منافقین به جانب چپ و خوابیدن شیاطین به رو افتاده و دمر است. اصول کافی، شیخ کلینی، ترجمه مصطفوی، ج ۲/ ص ۴۴۸. البتّه به اجماع و اتفاق فقهاء شیعه، دَمَر خوابیدن به رو، برای معاشقه یا مُجَامَعَت مشروعه و حلال، یا به جهت عذری دیگر، کراهتی ندارد و روایات کراهت، ناظر به مواردی است که آدمی بدون عذر و یا از روی عادت زشتی که دارد، دمر بخوابد. دایرة المعارف علم و مذهب، دکتر سید ابراهیم مهدوی، مدخل «خواب»]. ۱۳- از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان اجتناب کنید. [امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «لباس کوتاه و چسبان، لباس اهل ذلت (پستی و

خواری) است» (تَوْبُ الْمَذَلَّةِ) (تاریخ الأمم و الملوك، طبری، چاپ استقامت قاهره‌ی مصر، ۴/۲۴۵ و چاپ دار المعارف مصر، طبع دوم، ۵/۴۵۱؛ الكامل فی التاریخ، ابن اثیر، طبع بیروت - ۱۳۸۵ ق، ۴ / ۷۷؛ نَفْسُ الْمَهْمُوم، مُحَدَّث قَمی (ره)، ص ۲۲۴ و ۲۲۵).
 فقهاء شیعه، پوشیدن لباسی را که تنگ و چسبان باشد و حجم عورتین مرد و زن و یا حجم رانها و سینه و پستان‌های زنان را نمایان سازد، بالإجماع حرام می‌دانند. بلکه پوشیدن لباسهای بیش از اندازه کوتاه، که افزون بر اندازه‌ی متعارف، بازوان یا کمر یا شکم یا سینه‌ی پسران و مردان از آن بیرون بماند و کلاً هر لباسی که مُنافی با حیا و عفت مردان نیز باشد، به اجماع فقهاء شیعه حرام است. بلی، پوشیدن پیراهن آستین کوتاه برای مرد و پسر، اگر به اندازه‌ی متعارف باشد، هیچ اشکالی ندارد و شرعاً جایز است - دایرة المعارف علم و مذهب، دکتر سید ابراهیم مهدوی، مدخل «لباس». ۱۴- از نگاه به تصاویر و فیلم‌ها و لباسهای جنس مخالف، خودداری کنید. [رسول خدا صَلَّی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَ حَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ» «آنکه چشمانش را از نگاه به زن نامحرم پر کند، روز قیامت، خداوند چشمانش را با میخ‌های آتشین و از آتش پر خواهد کرد، تا وقتی که به حساب مردم رسیدگی فرماید، سپس امر می‌شود که او را به جهنم ببرند» ثواب الاعمال و عقابُ الأعمال، شیخ صدوق، ص ۳۳۸].

[کیفیت عذاب زنان بی حجاب، بد حجاب، نافرمان یا بد اخلاق، در احادیث اهل بیت علیهم السلام]:

اصناف زنان گناهکار و عذاب آنها در حدیث معراج [شیخ صدوق (فوت: ۳۸۱ ق) از حضرت عبدالعظیم حسنی (س)، از حضرت امام جواد علیه السلام از پدرش حضرت امام رضا علیه السلام از پدران گرامیش از أميرالمؤمنین (صلواتُ الله علیهم اجمعین) روایت می‌کند که فرمود: «من و فاطمه بر رسول خدا (صَلَّی الله علیه و آله و سَلَّمَ) وارد شدیم و دیدیم که به شدت گریه می‌کند. من عرض کردم پدرم و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! چرا گریه می‌کنی! رسول خدا فرمود: ای علی در آن شبی که مرا به معراج به آسمان بردند، زنانی از امت خود را در عذاب سختی (در صحنه‌ی آینده‌ی جهنم) مشاهده نمودم و از وضعیت آنها (در قیامت) ملول و ناراحت شدم و اینک از شدت عذابی که بر آنها دیده‌ام به گریه در افتاده‌ام (۱) زنی را دیدم که به موهای سرش در دوزخ آویزان بود و مغزش به جوش و غلیان آمده بود! (۲) زنی را دیدم که به زبان خود آویزان بود و حمیم (آب داغ جهنم) در حلقوم او فرو می‌ریخت (۳) زنی را دیدم که به دو پستان خود آویزان بود! (۴) زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می‌خورد و آتش از زیرش افروخته می‌شد! (۵) زنی را دیدم که دو پایش به دو دستش بسته شده بود و مارها و عقرب‌ها بر او مسلط بودند! (۶) زنی را دیدم که کور و کر و لال در صندوقی از آتش بود و مغز سرش از دو سوراخ بینی اش خارج می‌شد و بدن او از مرض پیسی و مرض خوره تکه تکه شده بود! (۷) زنی را دیدم که به دو پایش در تنوری از آتش آویزان بود! (۸) زنی را دیدم که گوشت بدنش را از جلو و عقب با قیچی‌هایی از آتش می‌بریدند! (۹) زنی را دیدم که صورت و دو دستش در آتش می‌سوخت و خودش، امعاء (روده‌های) خود را می‌خورد! (۱۰) زنی را دیدم که سرش سرخو و بدنش بدن خراب بود و در هزار هزار گونه عذاب فرو رفته بود! (۱۱) زنی را دیدم که بر شکل سگ بود و آتش از دُبر (باسن او) داخل و از دهانش خارج می‌شد و ملائکه‌ی عذاب سر او و بدن او را با گرزهای آتشین می‌زدند! فاطمه (سَلَامُ الله علیها) گفت ای حبیب من و ای روشنی و تازگی بخش نور چشم من ای رسول خدا! اعمال و کردار این زنان چه بوده که خداوند اینگونه عذاب را برای آنها مقرر فرموده است رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای دختر من (۱) آن زنی که به مویش آویزان بود، زنی است که موی خود را از مردان نمی‌پوشاند. (۲) آن زنی که به زبانش آویزان بود، زنی است که شوهر خود را اذیت می‌کند. (۳) آن زنی که به پستانش آویزان بود، زنی است که از رفتن به فراش و هبستری با شوهر خود، خودداری می‌کند (تمکین نمی‌کند). (۴) آن زنی که گوشت بدن خود را می‌خورد، زنی است که بدن خود را برای مردم زینت می‌کند. (۵) آن زنی که دو پایش به دو دستش بسته و مارها و عقرب‌ها بر او مسلط شده بودند،

زنیست که آب وضویش کثیف است و لباسش کثیف و نجس است و از جنابت و حیض غسل نمی کند و خود را پاکیزه و نظیف نمی دارد و نماز را سبک می شمارد. (۶) آن زنی که کور و کر و لال بود، زنی است که از زنا بچه می زاید و آن بچه را به شوهرش نسبت می دهد. (۷) آن زنی که به دو پایش آویزان بود، زنی است که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می رود. (۸) آن زنی که گوشت بدنش را با قیچها می بُریدند، زنی است که خود را بر مردان عرضه می دارد. (۹) آن زنی که گوشت صورت و بدنش می سوخت و امعاء و روده های خود را می خورد، زنی است که واسطه ی عمل نامشروع بین دو نفر می گردد. (۱۰) آن زنی که سرش همچون سر خوک و بدنش همانند بدن الاغ بود، زنیست که سخن چینی می کند و دروغ زن و دروغ پرداز است (۱۱) آن زنی که بر شکل و صورت سگ بود و آتش از دُبرش (از باسنش) داخل و از دهانش خارج می گردید، زن آوازه خوانی است که در مجالس شادی (مثل مولودی و عروسی و پارتی ها) و مجالس غم (مثل مجالس نوحه خوانی آلوده به غناء) آواز می خواند و نیز حسادت می ورزد. و سپس رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: «وَيْلٌ لِّامْرَأَةٍ أَغْضَبَتْ رَوْحَهَا وَطُوبَى لِّامْرَأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا رَوْحُهَا» وای بر زنی که شوهر خود را - با حرف یا عمل غیر منطقی - عصبانی کند و خوشا به حال آن زنی که شوهرش از او - در انجام وظایف زناشویی و خانه داری - راضی و خوشنود باشد!

مدارک حدیث شریف معراج

عیون أخبار الرضا (عليه السلام)، تألیف مرحوم شیخ صدوق (ره) - در گذشته به سال ۳۸۱ ق - متن عربی: ج ۲ / ص ۱۰ و ۱۱؛ ترجمه ی شادروان علی اکبر غفاری: ج ۱ / ص ۶۶۳-۶۶۶. بحارالانوار، تألیف مرحوم علامه ی مجلسی (ره) - در گذشته به سال ۱۱۱۰ ق، ج ۸ / ص ۳۰۹. حیات القلوب (به زبان فارسی)، تألیف مرحوم علامه مجلسی (ره)، ج ۲ / ص ۲۹۲. [نیز شیخ صدوق (ره) در «من لا یحضره» این روایت عجیب و جالب را در پیشگویی زمان ما نقل کرده: رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ بُنَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «يَطْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَافْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشَفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسِيرَعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ لِلْمَحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ أَصْبَغُ بْنُ بُنَاتَةَ كَوَيْد: از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: در آخر الزمان نزدیک بقیامت زنانی ظاهر شوند: بی حجابان برهنگان، خود آراستگان برای غیر شوهران، رها کردگان آئین، داخل شدگان در آشوبها قائلان بشهوات و مسائل جنسی، شتاب کنندگان بسوی لذات و خوشگذرانی ها، حلال شمارندگان محرمات الهی، و وارد شوندگان در دوزخ. (من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ترجمه ی علی اکبر غفاری، ۵/۲۱، حدیث ش ۴۳۷۴)؛ تطبیق با: مُنتَخَبُ الْأَثَرِ، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۴۲۶. [نیز همانجا (ص ۲۳، ش ۴۳۷۷) روایت کرده است: وَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَطِيبًا فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي أَكُفُّمُ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ!»؛ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا خَضِرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: «الْمَرْأَةُ الْحَسِيئَةُ فِي مَنَبَةِ السُّوءِ!» رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخترانی کرد و فرمود: «ای مردم شما را زنهار می دهم از خضرَاء الدِّمَنِ! (علف هائی که در زباله دان میرویند = سبزه ی مزبله)؛ پرسیدند یا رسول الله مراد از خضرَاء الدِّمَنِ چیست؟ فرمود: زن خوشگل و خوش سیمایی است که در خاندانی پست تولّد یافته باشد!]. [نیز علی بن ابراهیم قمی (ره) در تفسیر خود (نشر دار الکتاب قم، سال ۱۳۶۷ ش، ج ۲/ص ۳۰۵) حدیثی مفصّل روایت نموده، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن توصیف علائم آخر الزمان برای جناب سلمان فارسی (سلام الله علیه) در بخشی از آن فرموده اند ...: «وَلَتَزْكِبَنَّ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشَّرُوحُ؛ فَعَلَيْهِنَّ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ ...» «...! و زنان بر زین ها (مَرکب ها، اسب، دوچرخه، موتور، ماشین و) ... سوار شوند؛ که بر این گروه از زنان امت من لعنت خدا باد!]. [...! در حدیث دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِذَا رَأَيْتُمُ اللَّمَاتِي عَلَى رُؤُوسِهِنَّ مِثْلَ أَسْنَمَةِ الْبَعْرَانِ [البُخْتِ الْعِجَافِ - خ ل]، فاعلموا أَنَّهُمْ لَا تُقْبَلُ لَهُنَّ صَلَاةٌ! [لَا يَجِدَنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ فَالْعَنُوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مُلْعُونَاتٌ! - خ ل]» «هرگاه دیدید زنان و دخترانی (از امت من) را که موهای بالای سر ایشان مانند کوهان شتران [یا: شتران

لاغر - خ ل] انباشته شده (برای جلب توجه مردان و پسران)، پس بدانید که چنین زنان و دخترانی، نمازشان مقبول درگاه خدا نیست؛ [و بوی بهشت را نخواهند شنید؛ پس ایشان را لعنت کنید که ملعونات هستند! -خ ل]» (کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۶/ص ۳۹۲ و صحیح مسلم، ۶/۱۶۸؛ حجاب در اسلام، تألیف قوام الدین وشنوی قمی، ترجمه: احمد محسنی گرکانی، ص ۲۱۹).

[پوشاندن چهره و صورت زنان با پوشیه یا روبند یا روبنده - که در عهد قاجار و صفویه مرسوم بوده - نه تنها مطابق فتوای جمعی از فقهاء بزرگوار بوده، بلکه حتی پیش از ورود دین مبین اسلام نیز در میان ما ایرانیان مرسوم بوده و شرافت و نجابت یک زن را نشان می‌داده است؛ چنانکه فردوسی گوید: منم دُختِ افراسیاب برهنه رُخم را ندید آفتاب! (شاهنامه، بیت ش ۱۶۶۴۵، ص ۴۵۹) «و سبب آن این بود که قدیمی‌ها خوب می‌فهمیدند که بیشترین تحریک جنسی در مردان و پسران، بر اثر دیدن چهره‌ی زنان و دختران است؛ یعنی حتی اگر زن یا دختری چادر کامل به سر داشته باشد ولی چهره‌ی او نمایان باشد، مرد یا پسر با دیدن آن چهره، ممکن است در فکر خود، او را برهنه تصوّر کند و خیالات شهوانی در مورد او بنماید؛ حال آنکه اگر چهره‌ی آن دختر یا آن زن پوشیده بود، هرگز کسی نمی‌توانست به راحتی، تصوّر شهوت انگیزی در مورد او داشته باشد! این یعنی تمرکز تحریکات و تصوّرات شهوانی در صورت و چهره و اما دستها، پس هیچ شکی نیست که لطافت پوست دست زنان و دختران، باز هم برای مردان و پسران، تحریک کننده است؛ حتی اگر فقط نگاه ایشان به دست‌های یک زن یا دختر بیفتد! پس خردمند با انصاف کسی است که بپذیرد که فتوای جمعی از فقهاء سیلف (گذشته) به وجوب پوشاندن دست و صورت بر زنان و دختران، همانند سنت و آداب پر نکته‌ی گذشتگان ما، بی دلیل نبوده و عقل و تجربه‌ی ایشان بیش از ما بوده است» ... دایرة المعارف علم و مذهب، دکتر ابراهیم مهدوی، مدخل «حجاب»]. ۱۵- از مشاهدی اعمال و رفتار و گفتار زوج‌های جوان [و نیز سریال‌ها و برنامه‌های تحریک کننده‌ی صدا و سیما و گویندگان و هنرپیشه‌های گستاخ و بی ادب زن و دختر آنها] خودداری کنید. [دکتر سید ابراهیم مهدوی، در این رابطه می‌گویند: «تلویزیون را بایستی جعبه‌ی جادو و به عبارت بهتر، جعبه‌ی شیطان نامید؛ زیرا هر دروغ، فتنه و فسادى برخاسته از این اسلحه‌ی الکترونیکی و شیطاین هدایت کننده‌ی آن است. ریشه‌ی بسیاری از جنگها، دعوها، نزاع‌ها، حسادتها، چشم و هم چشمی‌ها، بی ادبی‌ها، رذالته‌ها ...، چشم چرانی‌ها و تحریکات شهوانی، همه و همه در همین «جعبه شیطان» (تلویزیون) نهفته است!! جادو و طلسمات شیطان است و کادو و سوغات غریبان» ...!! همان دایرة المعارف، مدخل «تلویزیون و رادیو»]. ۱۶- از معاشرت و سخن گفتن با جنس مخالف، حتی کودکان جذاب و خوش سیما دوری کنید. [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «مَنْ فَاکَهُ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حُبْسٌ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ» «هر کس با زن نامحرمی با شوخی سخن بگوید، برای هر کلمه‌ای که با او در دنیا سخن گفته، هزار سال در جهنم زندانی خواهد شد» ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق، عربی، ص: ۲۸۳؛ ترجمه‌ی علی اکبر غفاری، ص: ۶۵۲]. ۱۷- با نامحرم در یک اتاق - و لو برای خواندن دعا - خلوت نکنید [و حتی در اداره‌ای که گاه چنین وضعی رخ می‌دهد کار نکنید و هرگز آنجا استخدام نشوید، زیرا: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند: «لَمَّا يَخْلُو بِامْرَأَةٍ رَجُلٌ فَمِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ تَالِثَهُمَا» «هیچ مردی با زنی (نامحرم) خلوت نکند؛ اگر مردی با زن بیگانه‌ای خلوت کند، سومین ایشان شیطان است!» (مُستدرک الوسائل، محدث نوری، ۱۴/۲۶۵). ۱۸- حداقل استفاده و پرهیز از غذاهای مُحَرَّک [مثل: خرما، گردو، پیاز، فلفل، ماست، گلاب، شیرینی و] ... ۱۹- [هیچ وقت بیکار ننماید و اگر بیکار شدید، هرگز از مطالعه و سرگرمی‌های مفید، که فکر و اعصاب شما را مشغول و سرگرم خود میسازند، جدا نشوید]. ۲۰- توبه کنید و اطمینان از قبولی توبه، بزرگترین عامل و دلگرمی برای آغاز حرکت نو می‌باشد. گناه، هر چه باشد، نباید احساس بی ارزش بودن و ناامیدی به فرد گناهکار بدهد. چون ناراحتی از گناه به مفهوم پایان فرصت‌ها و نابودی نیست و به یاد داشته باشیم: [قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمَ: اللَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ عِيُونُ أَخْبَارِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَام، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۷۴ حدیث ۳۴۷] یعنی: «شخص توبه کننده مانند شخصی است که اصلاً گناه نکرده است» [به شرط آنکه مربوط به حقّ الناس نباشد]. اگر شخص از

گناه خود می‌ترسد، باید از بالاترین گناه که یأس و ناامیدی است، بترسد.

چند توصیه

۱- ارتباط با یک مربی و درمانگر کارآزموده را قطع نکنید. ۲- [چون ازدواج دائم، در این زمانه، مواجه با مشکلات فراوان و موانع دست و پاگیری شده، لا اقلّ برای ازدواج موقت] اقدام کنید. ۳- اگر از این بیماری (خود ارضائی) رنج می‌برید و ترک آن سخت است، نسبت به درمان تدریجی آن نگران نباشید و برنامه‌های درمان را رها نکنید.

خود ارضائی آفت روابط صحیح خانوادگی و شادابی اجتماعی

کسانی که به این بیماری مبتلا هستند، پس از ازدواج نزاع و درگیری‌هایی در زندگی مشترک پیدا می‌کنند و چون نه زن و نه مرد هیچ یک نمی‌توانند مشکل خود را با دیگران مطرح کنند؛ بیشتر این اختلافات باقی می‌ماند، در نتیجه زوجین همیشه با دید تنفر و انزجار به همدیگر می‌نگرند و منجر به قهرهای طولانی می‌شود. چون یکی از دو همسر مشکل داشته است، طبعاً برای خود یا همسرش مشکلاتی را می‌آفریند. طبق بررسی‌ها در بسیاری از مفاسد همسران یا ازدواج‌های مجدد یا طلاق‌ها و برخی مشکلات اجتماعی دیگر، سابقه‌ی ابتلاء زوجین به خود ارضائی جزو علل و عوامل اصلی بوده است و جامعه از نشاط و شادابی و طراوت خالی شده و افراد در زوایای مختلف، ناهمگونی داشته و زمینه‌ی از بین رفتن مصونیت و امنیت افراد، فراهم خواهد شد. نباید از نظر دور داشت، بخشی از صفا و صمیمیت در محیط خانه، به ارضاء غریزه‌ی جنسی زوجین بستگی دارد که افراد مبتلا به این بیماری از آن محرومند و در نتیجه مستعد درگیری و اختلاف می‌باشند. صرف وقت فراوان جوانان در کوچه و خیابان با اهداف خیالی، ردّ و بدل کردن نامه، عکس و هدیه‌ها، آبروریزی‌های خانوادگی، اختلاف پسرها و دخترها با اولیاء و عدم رغبت آنان به کنترل توسعه و روابط غیر اخلاقی میان پسرها و زنان همسر دار و ... در موارد فراوان ریشه در این عادت شوم دارد. این گونه افراد قبل از همه‌ی این مفاسد، به دام این مرض هولناک افتاده و سپس زمینه‌ی انحرافات دیگر برایشان فراهم شده است؛ تا آنجا که حتی محارم و اهل خانواده نیز از گزند آنان در امان نمانده‌اند. نتیجه: با عمل به سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (ازدواج موقت) مشکلات فراوانی حلّ می‌شوند. با توجه به راه‌های پیشنهادی برای کنترل و جلوگیری از غرایز و روشهای پیشگیری از استمناء، انصافاً آیا جز ازدواج موقت چاره‌ای می‌باشد؟ خیلی از مردها به خاطر عدم رضایت همسرشان به متعه و ازدواج موقت، از آن روگردان می‌باشند. (تحقیق و پرسش افرادی که بالای ۴۰ سال سن دارند، در خصوص علت عدم ازدواج؛ که مخالفت همسرشان را عامل می‌دانند!!). [و یک] سفارش به زنان بیوه: ازدواج موقت آنان، نجات خودشان از انحراف و جوانان از خودارضائی است.

احکام ازدواج موقت

۱- صِحّت ازدواج موقت وابسته به دو رُکن «تعیین مدّت عقد» و «مقدار مهریه» می‌باشد. ۲- مدت عدّه در این ازدواج [در فرض دخول، دو حیض و اگر حیض نمی‌بیند] ۴۵ روز است [یعنی اگر دخول صورت گرفته باشد، تا گذشت این مدّت زمان، نمی‌تواند با مرد یا پسر دیگری ازدواج کند. البته اگر زن به سنّ یائسه رسیده باشد - یعنی دیگر از دیدن حیض ناامید و مأیوس باشد - عدّه ندارد - چون دیگر احتمال بچه دار شدنش نمی‌رود. البته اگر شوهر - حتی در ازدواج موقت - بمیرد، زن - حتی اگر یائسه یا صغیره هم باشد - باید عدّه‌ی وفات را نگه دارد؛ یعنی چهار ماه و ده روز ازدواج نکند - حتی اگر شوهر با او نزدیکی (دخول) هم نکرده باشد - و در فرض مرگ شوهر، اگر زن حامله باشد، باید «أَبَعَدَ الْأَجَلین» (طولانی ترین دو مدّت: زاییدن و گذشتن ۴ ماه و ۱۰ روز) را عدّه‌ی وفات نگه دارد. رساله‌های توضیح المسائل، احکام عدّه‌ی زنی که شوهرش مرده. برگرفته از مقاله‌ی متعه، علی

بشیری لمجیری - دایره المعارف تشیع]. ۳- ازدواج موقت طلاق ندارد و پس از پایان مدت [یا بخشیدن آن توسط مرد] زوجین نامحرم می شوند. ۴- از همدیگر ارث نمی برند و زن، نفقه [حقّ خرجی و خوراک و پوشاک] و مسکن ندارد. ۵- شاهد بر عقد نمی خواهد. ۶- فرزند متولد شده حلال زاده، فرزند پدر بوده و نفقه بر عهده پدر می باشد. ۷- اگر زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی بخوانند [و نتوانند وکیل برای خواندن آن بگیرند، پس خودشان] به هر لفظی (حتی فارسی) که صیغه را بخوانند صحیح است، و این در صورت ضرورت می باشد مثل آنجائی که آب نیست تیمم می کنند. به شرط اینکه لفظی بگویند که معنی صیغه «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (از جانب زن: «خود را به زنی تو در آوردم، در مدت مشخص شده و معین و در مقابل فلان مبلغ جزئی» (هرچند به بهای چند دانه خرما باشد) (و از جانب مرد: «قبلت» («من هم قبول کردم»)) را بفهمانند و قصدشان این باشد که زن، خود را، زن شوهر قرار داده با مدت و مهر معین و مرد نیز، زن بودن او را (با آن شرایط) برای خود قبول کرده باشد. [۸- اگر مرد، مدت باقیمانده صیغه را به زن ببخشد (ابراء کند)، چنانچه با زن، نزدیکی (دخول آلت مردانه در آلت زنانه، و لو به قدر ختنه گاه) داشته، باید تمام مهر را به زن بدهد؛ ولی اگر نزدیکی نکرده، فقط باید نصف مهر تعیین شده را به زن بپردازد. ۹- اگر هنوز مدت ازدواج موقت تمام نشده و یا هنوز مرد باقیمانده مدت را نبخشیده، عقد ازدواج دائم بخوانند، عقد دائم باطل است. (زیرا عقد باید بین دو نامحرم و غیر همسر باشد و تا آنها همسر و زوج یکدیگر هستند - و لو با عقد موقت - نمی توانند عقد دائم یا موقت دیگری بخوانند و اگر بخوانند باطل است). ۱۰- اگر زن یا دختری را برای خود عقد کند، دائمه باشد یا صیغه، تا وقتی که در عقد او باقی است (و نیز در ایام عده او، بنا بر احتیاط) نمی تواند با خواهر او ازدواج (موقت یا دائم) نماید. (توضیح المسائل مرحوم آیت الله بروجردی، دو مسأله ۲۳۹۹ و ۲۴۰۰). ۱۱- اگر زنی بگوید: «در عده نیستم»، چنانچه مورد اتهام نباشد (مثلاً فاحشه یا معروف به دروغ گویی نباشد)، قول او به اجماع فقهاء شیعه پذیرفته است. ۱۲- اگر زن بگوید: «یائسه هستم» (یعنی: چون دیگر حیض نمی بینم و بچه دار نمی شوم، عده ندارم و لذا قبل از گذشتن ایام عده شوهر سابقم، می توانی به من دخول کنی)، نباید حرف او را قبول کرد؛ ولی اگر بگوید: «شوهر ندارم» حرف او قبول می شود (توضیح المسائل مرحوم آیت الله بروجردی، مسأله ۲۴۶۵). ۱۳- بنا بر مشهور فقهاء شیعه، تعداد زنانی که می توان مُتعه نمود، هیچ حدّ و حصری (شمارشی) ندارد، بر خلاف نیکاح دائم - که اجمالاً عقد دائم با بیش از چهار زن، حرام و باطل است (رجوع شود به فصل سوم کتاب نیکاح «عروة الوثقی»، از مرحوم آیت الله سید کاظم یزدی و شرح آن: «مُسْتَمْسَكُ الْعُرْوَةِ» از مرحوم آیت الله سید محسن حکیم، ج ۱۴/ص ۹۵). پس برخی نویسندگان مُغرض غربی یا غرب زده، که نسبت به بعضی از سلاطین شیعه - مثل شاه سلطان حسین صفوی شهید، فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار که زنان بی سرپرست و بی سرپناه را به عقد نیکاح مُنقطع (مُتعه) ۹۹ ساله یا صد ساله و بالاتر ... در می آوردند و آنها را درون حریم خود پناه و جا و مکان داده و بهترین امکانات زندگی را برای آن زنان فقیر و گاه بیمار، فراهم می کرده اند. چنان نویسندگانی که به این پادشاهان هتّاکی نموده اند، از اهداف دلسوزانه این سلاطین بی خبر بوده و هیچگونه اطلاعی نداشته اند؛ یا آنکه از روی دشمنی با سنت حَسَنه مُتعه و یا اساساً ضدّیت و عناد با تشیع، به این پادشاهان شیعه حمله ور شده و دروغ به هم بافته اند ...! نقل از مقاله «مُتعه»، نوشته علی بشیری لمجیری - برای دایره المعارف تشیع - تحقیق و تکمیل از: سید احمد سجّادی].

جملات زیبا و خواندنی

۱. عشقی که با یک لبخند آغاز می شود، با یک آخم پایان می پذیرد! ۲. مبادا گل، ما را از گلکار غافل کند! ۳. اگر سعیت این باشد که خود را نشان دهی حتماً از نشان می افتی! ۴. آری! مراقب باشید که بر غنچه وجودتان و گل زندگیتان پروانه عاشق بنشیند؛ نه مگس های آلوده!! کدام مگس را دیده ای که به یک طعمه و طعام، استوار و پایدار بماند؟ نه سایه سرو ماندگار است و نه

سراب آب نما و نه اُنس مگس به آنچه به آن می‌نشیند!! ۵. مردمی که برای بار دوم به ازدواج مبادرت می‌کنند، می‌خواهند ضمناً از همسر اول خود تشکر نمایند، زیرا این تجزّی (جرأت ورزیدن) و اقدام آنها کشف از سعادت و لذت ازدواج اولی آنان است (ژول سیمون، از کتاب عقاید و آراء بشر در امور جنسی).

بیانات زیبایی به نقل از دکتر محسن شفائی

[شادروان دکتر محسن شفائی (فوت: ۱۳۶۲ ش) از اساتید گرانقدر فقید دانشگاه تهران، کتابی بسیار جامع و ارزشمند، بنام «مُتعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن»، به زبان فارسی روان، در سال ۱۳۴۰ ش نوشته است، که متأسفانه در این سالها دیگر تجدید چاپ نمی‌شود!! ولی همچنان در کتابخانه‌ی ملی ایران، به شماره‌ی زیرین: (۴۸-۶۳ م؛ ۱۹۷۲۰۹-ش/۴/۱۸۹ BP) موجود و در دسترس است. مرحوم دکتر محسن شفائی، پس از اثبات مشروعیت و فضیلت اخلاقی - اجتماعی مُتعه، در صفحه‌ی ۲۹۱ کتاب خود، چنین بیانات زیبایی دارد: [«ملل اسلامی ... که قوانین خوب و عقلانی آنها، نقشی در عمل ندارند، به زبان مسلمانند؛ ولی در (میدان) عمل، از اسلام و مسلمانی بی‌خبرند و رسم و نشانه‌ای از اسلام در آنها نیست و به دست خویش، انحطاط (پستی و عقب‌ماندگی) را در عالم زندگی خویش پدیدار ساخته‌اند! ایشان اگر به قوانین مُتقنه‌ی (محکم و استوار) خود عمل می‌نمودند، هیچ گاه افق حیات آنها از ابرهای تیره و تار اختلاف و فساد، مسدود نمی‌گردید و در سراشیبی ذلت و تنزل (خواری، فرو افتادگی و سقوط) قرار نمی‌گرفتند ... در امور زناشویی (نیز) اگر مقررات مربوطه به احکام نکاح را، که از جمله‌ی آنها نکاح مُنقطع (ازدواج موقت یا مُتعه) است، به کار بسته بودند، هیچ گاه اهریمنان فحشاء در کسوت (پوشش) انحراف از مبانی ناموسی، در خطّه و کشور آنها نفوذ نمی‌نمود»]. [... مرحوم دکتر محسن شفائی در صفحه‌ی ۳۳۱ کتاب «مُتعه» نیز چنین می‌نویسد: [برتراند راسل انگلیسی، دانشمند عصر حاضر، در کتاب «امیدهای نو، در دنیای مُتغیر»، درباره‌ی بهبود وضع زناشویی، چنین اظهار نظر و پیشنهاد می‌نماید ...: «چه باید کرد؟! یا باید جوانان را از تحصیل محروم کنیم؛ که این امر، ممکن نیست ... و یا باید به آنها اجازه دهیم که قوای غریزی خود را در فاحشه‌خانه‌ها صرف نمایند؛ که این امر، مُستلزم بُروز امراض مُقاربتی و شیوع سیفلیس (Syphilis = کوفت، آبله‌ی فرنگی؛ زخم روی آلی تناسلی که ابتدا به قدر یک دانه‌ی سرخ‌رنگ است و سپس بزرگ و منتشر شده و واگیر دار است) و سوزاک (Gonorrhea) پیدایش چرک و سوزش در مجرای ادرار) و شانکر (Chancre=آتشک، زخم چرکین ورم دار دردناک روی آلت تناسلی، که بسیاری از اوقات، توأم است با خیارک (Bubo) - ورم یا دُملی چرکین و دردناک، به شکل خیار، که در بیخ رانها پدیدار می‌شود - [و نیز امروزه، بیماری واگیردار و مُهلک ایدز، که زنان فاحشه و پسران هرزه، عامل انتقال و پرورش ویروس آن هستند. ایدز AIDS همان چهار حرف ابتدای: Acquired immune deficiency syndrome به معنی «نشانگان نقص ایمنی اکتسابی» یا ضعف سیستم دفاعی بدن است، که با کوچکترین میکروبی حتی مثل سرما خوردگی، ممکن است بیمار، جان خود را از دست بدهد!]] و (نیز، گذشته از همه‌ی این بیماری‌های واگیردار، گسترش فحشاء، سبب شیوع عقیمی جوانان خواهد بود و یا باید به جوانان، اجازه‌ی ازدواج دائم بدهیم، که این امر هم با علم به اینکه آنها «بی پول» هستند، غیرممکن است! پس فقط یک فرض باقی می‌ماند و آن «ازدواج موقت» برای جوانان می‌باشد، که از آن در «مکتب شیعه» به «مُتعه» (بهره‌مندی جنسی) تعبیر شده است: Childish Marriage، یا: «ازدواج بچگانه» (آسان و نوجوان پسند) (... پایان گفتار «برتراند راسل»، جامعه‌شناس و دانشمند انگلیسی معاصر). [مرحوم دکتر محسن شفائی، در صفحه‌ی ۳۳۲ کتاب خود (مُتعه)، باز هم چنین می‌نویسد: [«در سال ۱۹۶۰ م تعداد ولدالزناها (یا حرام زاده‌های) آمریکا - که از رابطه‌ی «آزاد» جنسی به دنیا آمده‌اند - چهارصد هزار (۴۰۰،۰۰۰) نفر می‌باشد، در حالی که در ۱۹۲۸ م (یعنی ۳۲ سال قبل از آن) این رقم، سی هزار (۳۰،۰۰۰) نفر بوده است!! [که این را در حساب، «تصاعد» نامند!]. خانم M.K. در مجله‌ی «بانوان آمریکا» می‌نویسد: «علّت این ازدیاد (آمار فاحشه‌ها ...) دو امر است: ۱- «آزادی»

بیش از حدّ جوانان؛ ۲- نبودن «قانون سهل و ساده‌ای» که رابطه‌ی جنسی آنان را مشروع تلقی نماید. مُشارٌ إِلَیْهَا (خانم مورد اشاره، نویسنده‌ی آمریکایی) پیشنهاد شرائط «سهل و ساده‌ای» را برای قانون ازدواج جوانان، می‌نماید، که عبارتٌ اُخْرَای (تعبیر دیگر) «مُتَعَه» (ازدواج موقت اسلامی) است!». (پایان نقل قول از کتاب مرحوم دکتر محسن شِفائی: «مُتَعَه و آثار حقوقی و اجتماعی آن»). نقل از مقاله‌ی «مُتَعَه»، نوشته‌ی علی بشیری لمجیری، تحقیق و تکمیل و ویرایش: سید احمد سجّادی، برای دایرة المعارف تشیع]. [نقش مهمّ شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) و فتحعلی شاه قاجار، در ترویج فرهنگ ازدواج موقت فامیلی در ایران عهد قاجار]: [مرحوم شیخ جعفر نجفی - کاشف الغطاء - فقیه عهد مرحوم فتحعلی شاه قاجار، از مُروّجین سنت ازدواج موقت (مُتَعَه / صیغه) و از مُشَوِّقین مردم و جوانان به آن، برای حفظ عفت و امنیت عمومی جامعه بود؛ به حدّی که صاحبِ قِصَصُ الْعُلَمَاء - مرحوم میرزا محمد تُنکابُنی - در شرح احوالات وی (ش ۳۱- ص ۲۳۶ و ۲۳۷ از چاپ جدید قصص العلماء) مینویسد ...: «در سالی که شیخ به قزوین آمد، به مسجد رفت؛ مردم خواهش مَوْعِظَه نمودند. شیخ در مسجد، بالای منبر رفت و فرمود: ایها الناس! مگر شما شیعه نیستید؟! چرا عقد انقطاع (ازدواج موقت) در میان شما متداول نیست؟! پس فرمود که: تقصیر با علماء بلد (شهر) است و چون حاج ملا عبدالوهاب، رئیس علماء قزوین در آن عهد بود؛ شیخ به او خطاب فرمود که: چرا دختر خود را به عقد انقطاع (ازدواج موقت) نمی‌دهی تا مردم رَغَبَت در عقد انقطاع کنند و به تو مُتَابَعَت (پیروی و تبعیت) کنند؟! دکتر سید ابراهیم مهدوی، ادامه‌ی ماجرا را چنین بازگو می‌نماید...: «پس چون دختر آن مجتهد معروف شهر، به عقد موقت پسری فقیر و بی بضاعت در آمد و جارجیان به امر نمایندگان مرحوم فتحعلی شاه قاجار، در قزوین و برخی شهرهای اطراف آن جار زدند و این واقعه را اعلام عموم نمودند، زشتی و قبح غیر منطقی ازدواج موقت - که سنتی اسلامی و ضروری برای جامعه است - شکسته شد و مردم قزوین و نواحی اطراف، به راحتی، دختران و پسران نوجوان و تازه بالغ را به هم رسانده و ایشان را با یکدیگر مَحْرَم ساخته و به کام می‌رساندند و لفظ صیغه را به کار نمی‌بردند؛ بلکه می‌گفتند: «می‌خواهیم فلان پسر را با فلان دختر مَحْرَم سازیم، تا به گناه نیفتند». اما جهت جلوگیری از طغیان حسّ شهوت در پسران و دختران تازه بالغ، والدین هریک از آن دو پسر و دختر، در خانه‌ای که بصورت هفتگی و بیشتر در شبهای جمعه جمع می‌شدند، به طور خصوصی و دور از سمع و بَصَر دیگران، عهدنامه یا قولنامه‌ای می‌نوشتند و در آن تأکید می‌کردند که اگر دخول صورت گیرد و دختر پرده‌ی بکارت خود را از دست بدهد، پسر باید تعهّد کند که در این فرض، با او بلافاصله ازدواج دائم نموده و از آن پس، ایشان تا آن زمان «محرّم هم بوده‌اند» و اگر چنین شود «باید از این پس، زن و شوهر بشوند» و همگی امضاء یا مُهر می‌کردند و دختر و پسر را در آن شب در اطاقی تنها در آن خانه رها می‌کردند و خود چند ساعت به گفت و شنود و ضیافت پرداخته و چون آن دو از هم کام می‌گرفتند، هریک رهسپار خانه‌ی خود می‌شدند و کسی نیز از این جریان خبردار نمی‌شد؛ زیرا اهل محلّ، ایشان را از بستگان و آشنایان یکدیگر می‌دانستند و برای کسی از همسایگان نیز هیچ سؤالی پیش نمی‌آمد که این رفت و آمدهای هفتگی برای چیست! این یکی از هزاران خدمت مرحوم فتحعلی شاه قاجار به ایران و جوانان بود و خود این پادشاه نیز حَرَم‌سرای خصوصی داشت که هرچه زن بی سرپرست و فقیر و بیوه و بی پناه بود، در آن جمع شده بودند و شاه شخصاً به امور ایشان رسیدگی می‌کرد و ایشان را پناه داده و خرجی خودشان و کودکانشان را می‌داد؛ حال آنکه برخی از این زنان حرمسرا، زشت رو و مریض احوال هم بودند؛ ولی هدف فتحعلی شاه و ناصرالدّین شاه و امثال ایشان فقط حمایت و پناه دادن به آنها و جلوگیری از فساد ایشان بوده و نه هوسرانی و شهوترانی شخصی، چنانکه مورّخان خائن و دروغگوی غربی و مُستشرقین کینه‌توز و مشروطه خواهان تبه‌کار سِیه‌روز در تواریخ سراپا دروغ خود نوشته‌اند، تا چهره‌ی پادشاهان اسلام و ایران را بد و زشت جلوه دهند و ... این سنت ازدواج موقت خانوادگی و فامیلی، به همان صورت محرمانه و بین خانواده‌ها و آشنایان، همچنان تا اواخر عهد قاجار و اوایل مشروطیت پا برجا بود؛ امّا همزمان با صدای گامهای ننگین استعمار روس و انگلیس، در قالب مشروطه، این رسم خانوادگی و فامیلی زیبا و آرامبخش نیز - توأم با پخش اشعار شاعران خود فروخته و جیره خوار عصر مشروطه، مثل عارف قزوینی و ایرج میرزا

- برچیده شد، تا زنا و فحشاء جای آن را پر کند و ما بر روح ایشان لعنت می فرستیم، چنانکه بر روح آن کسی که اوّل بار مُتعه را تحریم و نکوهش کرد، لعنت می فرستیم!» (دایرة المعارف علم و مذهب، دکتر سید ابراهیم مهدوی، مدخل «مُتعه / صیغه / ازدواج موقت / عقد مَحَرَمیت»).